تاریخ تحولات مسجد جامع اصفهان

عبدالله جبل عاملی

استادیار دانشکده معماری دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان
Dr.archjabalameli@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۴/۸

چکیده

مسجد جامع اصفهان از بدو شکل‌گیری در قرن دوم هجری، به عنوان نقطهٔ مرکزی بافت شهر اصفهان مورد توجه بوده است. وجود این مسجد به روند ادغام مراکز روستایی و تحولات شهری اصفهان در دوره‌های بعد منجر شد.

از قرن سوم به بعد با توسعهٔ شهر و ازدیاد جمعیت، مسجد نیز با تغییرات و الحاقاتی مواجه بوده است. احداث مقصوره و گنبد نظام‌الملک، گنبد تاج‌الملک، و تغییر پلان مسجد از شبستانی به چهار ایوانی در دورهٔ سلجوقی را می‌توان مهم‌ترین الحاقاتی قلمداد کرد که در مسجد اعمال شده است.

در قرن نهم تا قرن دوازدهم، اقدامات و تغییرات قابل ملاحظه‌ای در مسجد جامع به‌وجود آمد که تا دورهٔ قاجار نیز ادامه یافت.

این مسجد با قدمت هزارسالهٔ خود و با ارزش‌های والای سازه‌ای، هنری، اسنادی، فرهنگی، و حتی علمی خود مایه‌های فخر بسیار را در خود دارد.

به همین جهت نه تنها مورخان و سیاحان زیادی در سفر خود به اصفهان، آن را کانون توجه خود قرار داده اند، بلکه باعث توجه محققان و مستشرقان بسیار به آن شده است.

از اوائل قرن چهاردهم موضوع رسیدگی و حفاظت از این مسجد در دستور کار مسئولان قرار گرفت. در ابتدای سال ۱۹۶۰م، به منظور روشن‌سازی دوره‌های تاریخی، مسجد توسط کارشناسان ایتالیایی به سرپرستی پروفسور گالدیری مورد بررسی‌ها و پیگردی‌های موضعی و میدانی قرار گرفت و اقدامات مرمتی پس از پایان بررسی‌ها در هر گمانه انجام شد.

در مقالهٔ حاضر علاوه بر اینکه این بررسی‌ها و اقدامات مرمتی مورد توجه قرار گرفته، به مرمت‌های بخش وسیعی از مسجد که در بمباران هوایی رژیم متجاوز عراق تخریب شده نیز پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی

اصفهان، مسجد جامع، موسسهٔ ایزمئو، معماری، مرمت.

مقدمه

از آنجایی‌که تولد مسجد جامع اصفهان در قرن اوّل هجری، و رشد و تغییرات متوالی آن، همواره با شکل‌گیری نطفهٔ اوّلیهٔ شهر اسلامی اصفهان و توسعهٔ فیزیکی آن مرتبط و متأثر از تحولات اجتماعی بوده است، لازم به نظر می‌رسد در ابتدا مقدمه‌ای در معرفی شهر اصفهان که بزرگ‌ترین مسجد جامع ایران در آن قرار گرفته، ارائه شود.

اصفهان امروزه به شهری اطلاق می‌شود که در تاریخ معماری و شهرسازی، در زمرهٔ شهرهای اسلامی محسوب می‌شود. اصولاً در دوران قبل از اسلام، شهر وسیعی به نام اصفهان در منطقه وجود نداشته است. بنا بر شواهد و اسناد تاریخی، «سپاهان» مجموعه‌ای از روستاهای کوچک و بزرگ بوده است که به سبب رودخانهٔ پرآب زاینده‌رود و زمین‌های حاصلخیز اطراف رودخانه، انگیزهٔ ایجاد مراکز اقامتی و زیستگاهی در آنها وجود داشته است (شفقی، ۱۳۸۱: ۲۴۳). یکی از این مراکز به نام «یاوان»، روستایی در مرکز آن مجموعه بوده است که مسجد جامع اولیه در کنار آن ساخته شده است. زندگی شهر اصفهان در تمام ادوار وابسته به وجود زاینده‌رود بوده، و نام اصفهان همواره با زاینده‌رود همراه بوده است. زاینده‌رود به معنای رودخانه‌ای است که خود زایش می‌کند و سرچشمهٔ آن در کوه‌های منطقهٔ غربی اصفهان است و در مسیر جریان آن مرتباً آب‌اش رو به تزاید است. مراکز اولیهٔ اسکان شهر اصفهان، در جبههٔ شمالی رودخانه در دشت سپاهان شکل گرفته است، ولی پس از ایجاد شهر و توسعهٔ مداوم آن شهر در جبههٔ جنوبی رودخانه نیز گسترش یافته است.

از دیرباز برای بهره‌برداری از آب زاینده‌رود، توسط ایجاد کانال‌هایی از نقاط غربی منطقه و قبل از ورود رودخانه به منطقهٔ سپاهان، آب را در مقیاس وسیعی استفاده می‌کرده - اند و جالب آنکه یکی از این جریان‌های آب، از محلی می‌گذشته که مسجد جامع اوّلیه بر روی آن قسمت ساخته شده است و تا مدت‌ها این نهر آب در داخل حیاط مسجد قابل استفاده بوده است. هم اکنون نیز بخشی از کف‌سازی محیط مسجد بر روی این نهر اجراء شده است.

تولد شهر اصفهان با ظهور دین اسلام در ایران همزمان بوده است. فرهنگ اسلامی و تأثیرات سنت‌های دیرین الهام‌بخش معماری ایران شده و مردم اصفهان نیز به تأسی از آن، خالق آثار معماری گران‌بهایی شده اند .

در اواسط قرن دوّم هجری (قرن هشتم میلادی) مسجدی در اصفهان احداث شد که مورخان زیادی از آن یاد کرده اند (ابونعیم اصفهانی، ۱۳۷۷: ۱۳۰و ۱۳۱). بنای اولیهٔ مسجد کم‌تر از یک قرن بعد از ساختن آن تخریب شد و در جای آن مسجد دیگری با ابعاد وسیع‌تر ساخته شد (همان)، و آثار مسجد اوّلیه در زیر سطح مسجد فعلی مدفون شد. در کاوش‌های باستان‌شناسی که در محل مسجد انجام گرفته، قسمت‌هایی از دیوار قبله و تزیینات گچبری مسجد اولیه به دست آمده است (گالدیری، ۱۳۹۲: ۱۵۹/۱). با انجام مطالعات تطبیقی ارتباط الگوهای تزیینی گچبری آن با تجربیات قبل از دورهٔ اسلامی مشخص شده است (همان).

ـ در نیمهٔ اوّل قرن سوم (قرن دهم میلادی) اتفاق دیگری در شهر اصفهان به وقوع پیوست. با توسعهٔ شهر و ازدیاد جمعیت، گنجایش مسجد قرن دوّم کافی نبود. به همین جهت از طریق اهدای کمک‌های مالی و جمع‌آوری اعانات مردمی، خانه‌های اطراف خریداری شد و مسجد بزرگ‌تر و وسیع‌تری به سبک شبستانی احداث شد (ابونعیم اصفهانی، ۱۳۷۷: ۱۳۰). طرح این مسجد در طول تاریخِ مسجد کلیهٔ تغییرات و الحاقات را بر اساس جهات توسعه و انتخاب پیمونِ (مدول) طراحی، مشروط کرده است.

ـ شهر اصفهان در قرن چهارم هجری مرکز حکومت آل بویه از حکمرانان ملی شد. آنان به احیای بعضی از آداب و سنن گذشتگان پرداختند و به عمران و آبادی شهر توجه

خـاص نشـان دادنـد. هنرمنـدان و معمـاران خـوش‌ذوق و دانشمندان نامی در این شهر تربیت شدند (جابری انصاری، ۱۳۲۱: ۱۸). آل بویه برگرداگرد شهر حصـار دفـاعی ایجـاد کردنـد (شـفقی، ۱۳۸۱: ۲٦۷) و در داخـل شـهر بناهـا و عمارات زیبا به وجود آوردند. از جمله الحاقاتی جدیـد در مسجد جامع قرن سوم و ایجاد مسجد جامع جدید بـه نـام مسجد جورجیر (مافروخی اصفهانی، ۱۳۲۸: ٦۲) کـه تنهـا سردر آن باقیمانده است.

ـ از اواسط قرن پنجم هجری (قرن دوازدهم میلادی) ترکان سلجوقی ایران را تسخیر کرده و مرکز حکومت خود را در اصفهان مستقر ساختند. وزیر سیاستمدار و دانشمند ایرانـی ملکشاه سلجوقی آثار عظـیم و جاودانـه‌ای در اصـفهان بـه وجود آورد. از جملهٔ تغییرات بنیـادی در فضـاهای مسـجد جامع قبلی، ایجاد گنبدهای وسیع و ایوان‌های رفیع و مزین بود. آن‌چنان که هنوز هم بعـد از حـدود هـزار سـال از آن دوره، هیئت اصلی مسجد جـامع بازتـابی از تغییـرات دورهٔ سلجوقی است.

– قرن هفتم و هشتم هجری (سیزدهم و چهاردهم میلادی مصادف با دورهٔ استیلای ایلخانان مغول در ایران اسـت. در آن دوره آثار هنری قابل ملاحظه‌ای در سراسر ایران ایجـاد شد. در شهر اصفهان از این دوره نمونه‌هایی مانند محـراب معروف الجایتو در مسجد جـامع اصـفهان (هنرفـر، ۱۳۵۰: ۱۱۵) و مناره‌های زیبا و آثار موزون باقیمانده است.

– قرن هشتم و نهـم (پـانزدهم و شـانزدهم مـیلادی) دورهٔ حکومت تیمور و جانشینان او در ایران بـوده اسـت. آغـاز دورهٔ تیمور در اصفهان با قتل و غارت همراه بود ولی پـس از نیم قرن جانشـینان تیمـور بـه آبـادانی و عمـران کشـور پرداختند آن‌چنان که در اصفهان به سـاختن قصـور متعـدد مبادرت کرده و در مسجد جامع نیز به دخالت‌ها و الحاقات جدید اقدام کردند (گلمبیک ویلبر، ۱۳۷٤: ٥٤۰ – ٥۳٥) که در فصل معرفی دوره‌های مختلف مسـجد بـه آن خـواهیم پرداخت.

– قرن دهم هجری (شانزدهم مـیلادی) تـا قـرن دوازدهـم دورهٔ حکومت صفویان است. در آغاز قرن یازدهم هجـری (هفده میلادی) شاه عباس اصفهان را به پایتختی برگزیـد و در مدت زمانی نه چندان طولانی شهر را به اعتبار و شهرت جهانی رسانید (شاردن، ۱۳٤۹: ۷). در این مدت عـلاوه بـر گسترش شهر و ایجاد محلات جدید، به احداث میـدان‌هـا، ساختمان‌ها، کاخ‌ها و گردشگاه‌ها اقـدام شـد کـه بـیش‌تـر جهانگردان خارجی که در آن زمان از اصفهان بازدید کـرده اند، در ذکر زیبایی‌های بـی‌نظیـر و باشـهرت آن کتـاب‌هـا نوشته اند. صفویان در مسجد جامع اصفهان نیز اقـدامات و تغییرات قابل ملاحظه‌ای به وجود آوردند (رک: گالـدیری، ۱۳۹۲).

ـ از نیمهٔ دوم قرن دوازدهم هجری (هفدهم میلادی) پـس از فروپاشی حکومت صـفویان و روی کـار آمـدن سلسـلهٔ قاجار تا ظهور تحولات صنعتی، از اهمیـت شـهر اصـفهان به‌تدریج کاسته شد و اکثر آثار و بناهـای دورهٔ صـفوی بـه علت انتقال پایتخت به تهران متروکه و بـه‌تـدریج تخریـب شد، ولی مسـجد جـامع اصـفهان بـه عنـوان مرکـز عمـدهٔ برگزاری مراسم مذهبی و تجمـع روزمـرهٔ اقشـار مختلـف مردم، همواره توسط مردم مراقبت و مواظبت شده است، و هر نسلی سعی کرده تا این مجموعهٔ گـران‌بهـای مـذهبی ـ فرهنگی را حفظ کند و به آیندگان تحویل دهد (تصویر ۱).



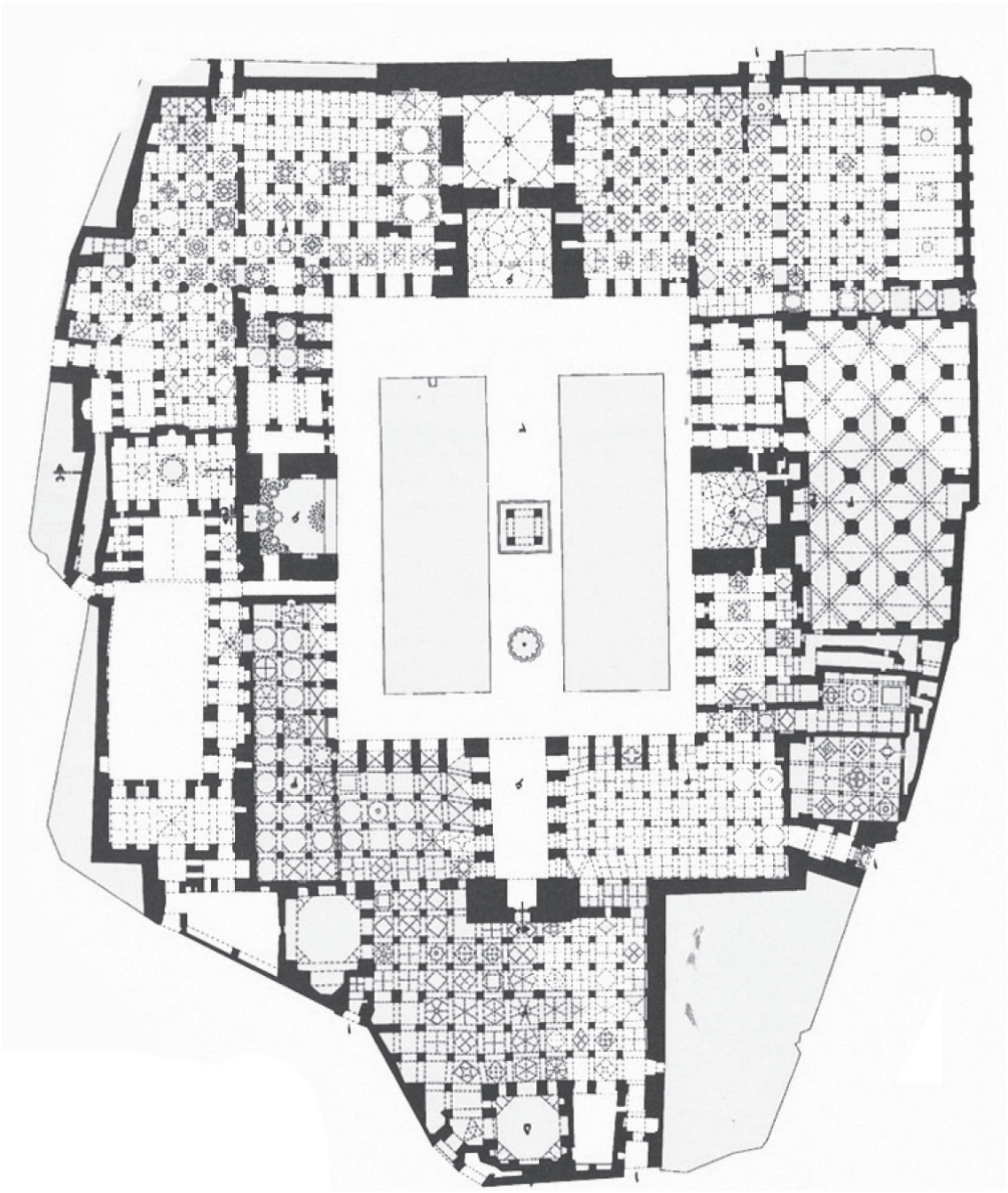
تصویر ۱. مسجد جامع اصفهان (مأخذ: آرشیو میراث فرهنگی اصفهان).

معرفی ارزش‌های مختلف معماری، سازه‌ای، تزیینی، و اسنادی موجود در مسجد

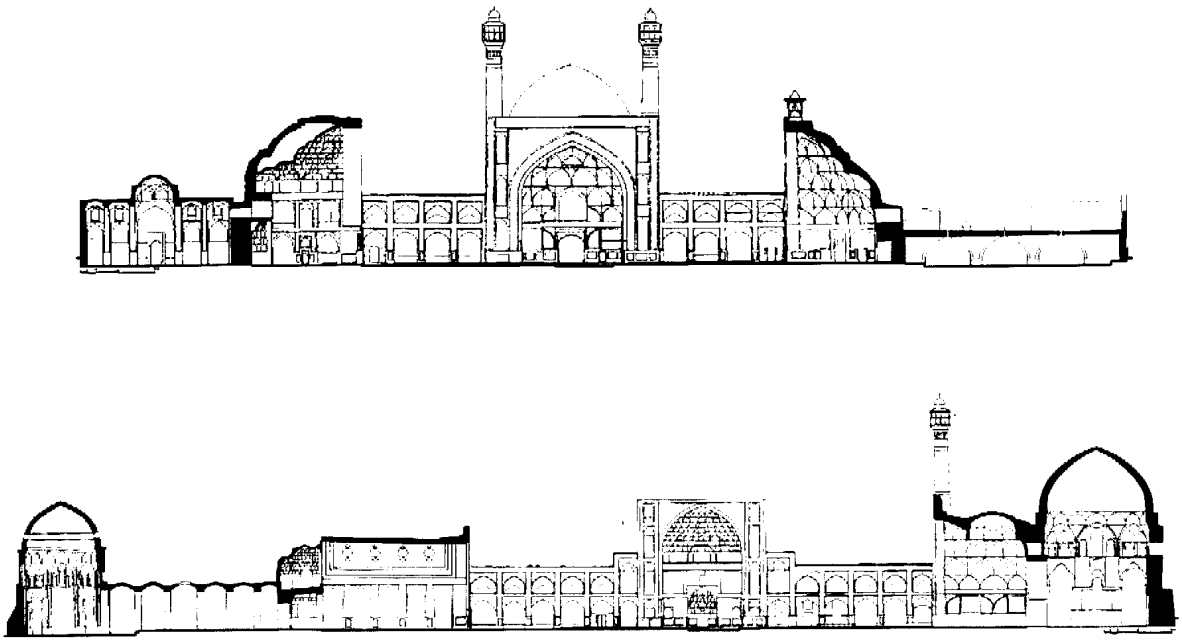
۱. ارزش‌های معماری

مسجد جامع اصفهان تجربیات معماری هزارسالهٔ شهر اصفهان را در بر دارد و به همین لحاظ می‌توان بسیاری از سبک‌های تاریخ معماری ایران و کشورهای همسایه را در آن شناسایی کرد؛ ایجاد انواع جرزهای آجری تزیین‌شده با نقوش هندسی، ستون‌های آجری با مقاطع مختلف از جمله فرم‌های دوبخشی و سه‌بخشی و چهاربخشی که از ترکیب دایره‌ها به دست می‌آید، طاق و چشمه‌های پوششی با انواع روش‌های اجرایی (گالدیری، ۱۳۹۲: ۷۵/۱ – ۲۲)، ایوان‌های چهارگانه با تزیینات متفاوت در هر کدام، گنبدهای عظیم با روش‌های ابداعی به صورت دوپوستهٔ پیوسته، نماهای موزون و تزیین‌شده در اطراف حیاط، و سردرهای ده‌گانه که هر کدام به معبری در اطراف مسجد گشوده می‌شود. کلیهٔ این آثار در ترکیب نهایی مجموعهٔ بی‌نظیری را تشکیل می‌دهد که می‌توان آن را تاریخ پیوسته و دائرة المعارف معماری ایران و برخی دیگر از نقاط، به‌ویژه آسیای میانه برشمرد.

گذشته از آن با تحولاتی که در قرن پنجم هجری (دوازدهم میلادی) در مسجد به وجود آمد، مسجد شبستانی قبلی به مسجد چهارایوانی تبدیل شد. این شیوهٔ جدید در مقایسه با طرح شبستانی (معطوف به فرهنگ عربی) نام «مسجد ایرانی» را به خود گرفت، و از آن دوره اکثر مساجد جامع شهرهای بزرگ ایران با همین سبک چهارایوانی ساخته شدند. حتی در بعضی از مساجد موجود از قبل نیز، تغییراتی ایجاد شد تا به مسجد چهارایوانی تبدیل شود. این الگو به سرزمین‌های مسلمان‌نشین خارج از ایران نیز تسری پیدا کرد. بنابراین عمده‌ترین ارزش معماری مسجد جامع اصفهان آن است که نقش الگوی پیش‌آهنگ را در تاریخ معماری ایران ایفا کرده است (نقشه ۱ و ۲).



نقشهٔ ۱. پلان مسجد جامع اصفهان (مأخذ: شرودر، گالدیری، ۱۳۹۲: ۳۲۵).



نقشه ۲. مقطع طولی و عرضی مسجد جامع اصفهان (مأخذ: میراث فرهنگی اصفهان).

۲. ارزش‌های سازه‌ای و ساختاری مسجد

مهم‌ترین اصل شناخته‌شده در معماری، خلق فضاهای داخلی است و مهم‌ترین فضای داخلی مسجد، محوطهٔ روبه‌روی محراب (مقصوره) است. طراحی فضا در مسجد دارای اهمیت خاصی است، ولی هم‌طراز با این، اصل اهمیت ساختارهای سازه‌ای و تکنولوژی اجرایی است . گنبدخانه در مسجد جامع، باشکوه‌ترین قسمت مسجد است که در تحولات قرن پنجم هجری، فضای شبستانیِ با ستون‌های متعدد آن در مقابل محراب، به فضای یکدست و گشاده‌ای تبدیل شده است. البته ساخت گنبد از دوران قبل از اسلام در ایران تجربه شده بوده است، ولی فنون به‌کاررفته در گنبدهای عظیم مسجد جامع اصفهان، دارای مشخصات معماری دورهٔ اسلامی ایران است. ایجاد اسکلت باربر در این گنبدها که ما آن‌را گنبدهای ترکینه می‌نامیم، از فنونی است که مهندسان و معماران ایرانی اجرای آن‌را با آجر ابداع کرده و امکان ساختن صدها نوع گنبد را به وجود آورده اند (همان، ۲۳۲/۲). تبدیل پلان چهارگوش و مربع‌شکل به فرم دایره از طریق مراحل متوالی گوشه‌سازی، یعنی تبدیل چهارضلعی به هشت‌ضلعی و سپس به شانزده و سی‌ودو ضلعی و نهایتاً دایره (محلی که استوانهٔ گلوی گنبد بر آن قرار می‌گیرد) از خصوصیات منحصربه‌فرد معماری ایرانی در زمان ایجاد آن در مسجد جامع اصفهان محسوب می‌شود. در این گنبدها ترکینه‌ها با فرم‌های زیبای خاگی (تخم مرغی) ابتدا بر روی استوانهٔ گنبد ساخته می‌شوند و سپس با دو پوستهٔ پوششی یکی در خارج که ترکبندی را می‌پوشاند و دیگری پوستهٔ داخلی که در گنبد نمازخانه در فاصلهٔ بین ترک‌ها قرار می‌گیرد تا آن اسکلت باربر را در زیر گنبد نشان دهد، تکمیل می‌شود. در سبک پوششی ترکبندی در گنبد شمالی تاج‌الملک، اسکلت باربر دیده نمی‌شود و پوستهٔ پوششی داخلی آن با تزیینات نقوش هندسی پوشیده شده است. به گنبدهایی که به این سبک ساخته می‌شود دوپوستهٔ پیوسته گفته می‌شود.

عناصر باربر عمودی، متناسب با محل ساخت و میزان فشار حاصله از وزن انواع پوشش‌ها طراحی شده است. در گنبد نظام‌الملک (نمازخانهٔ اصلی)، از ستون‌های چهاربخشی که از ترکیب چهار دایره تشکیل شده، استفاده شده است. در گنبد شمالی تاج‌الملک، از جرزهای مکعبی با نرم‌سازی گوشه‌ها و ایجاد تنوع در مقاطع آنها عناصر باربر ساخته شده است و در اکثر فضاهای شبستانی از ستون‌های استوانه‌ای با سرستون‌های مکعبی استفاده شده است. پوشش‌های طاق و چشمه دارای تنوع بی‌نظیری است. در مسجد جامع اصفهان حدود ٤٧٠ دهانهٔ پوششی با بیش از پنجاه روش ساخت اجرا شده است (گالدیری، ۱۳۹۲: ۱/۷٤– ۲۲).

۳. ارزش‌های تزیینی در مسجد جامع اصفهان

لایه‌ها و سطوح تزیینی همواره از ارکان مهم معماری محسوب می‌شوند. ایجاد نقاشی از تصاویر افراد یا شخصیت‌ها در مساجد اسلامی از ابتدا مجاز نبوده و به کارگیری نقوش دیگر مانند نقوش هندسی یا طبیعت انتزاعی به صورت تزیینی مورد توجه بوده است. در مسجد جامع اصفهان، بسیاری از سطوح و فضاها با روش‌های مختلف آراسته شده است که متعلق به ادوار مختلف تاریخی هستند و در اینجا به اختصار به شرح آن می‌پردازیم.

در قرن سوم (دهم میلادی) دیوارهای خشتی با ملات سیم‌گل (کاهگل بسیار نرم) پوشیده بوده است و ستون‌های مدور آن که از آجرهای پیش‌بر (با قالب ذوزنقه‌ای) ساخته شده، دارای نمای آجری با بندکشی گچی بوده است. در قرن چهارم الحاقات دورهٔ آل بویه (ستون‌های دوبخشی و سه‌بخشی) با نمای آجری و نقوش آجری ظریف به صورت گل‌اندازی (یا گود و برجسته) تزیین شده بوده است. در قرن پنجم یعنی دورهٔ سلجوقی، سطوح از ترکیب نقوش هندسی و خط بنایی با حروف عمود بر هم تزیین شد. در قرن هفتم و هشتم، دورهٔ ایلخانان مغول، روش تزیینی عمدتاً ایجاد سطوح گچبری همراه با استفاده از انواع سبک‌های کتابت بوده است. مخصوصاً احداث محراب‌ها و تزیین آنها با روش گچبری بهره‌گیری از نقوش انتزاعی طبیعت همراه بوده است. در قرن نهم، دورهٔ تیموریان، استفاده از پوشش‌ها به روش رسمی‌بندی و تزیین سطوح با کاشی‌های الوان خصوصاً در نماهای اطراف حیاط معمول بوده است. در قرن دهم و یازدهم، دورهٔ صفوی، روش‌های سبک دورهٔ تیموری در تزیینات ادامه داشته است. مقرنس‌سازی در ایوان شرقی و به کارگیری ترکیب آجر و کاشی با مهارت و ظرافت در چهار ایوان اطراف حیاط، از دیگر اقدامات در تزیین بنا در این دوره است.

به طور کلی تزیینات اجراشده در مسجد جامع اصفهان، مجموعه‌ای از هنرهای تزیینی را در طول تاریخ شهر و تحولات معماری مسجد معرفی می‌کند.

٤. ارزش‌های اسنادی در مسجد جامع اصفهان

الف. کتیبه‌ها

در بنای مسجد جامع اصفهان. کتیبه‌های بسیاری از دوره‌های مختلف وجود دارد که به معرفی تعدادی از آنها می‌پردازیم:

ـ در داخل گنبد جنوبی معروف به گنبد نظام‌الملک، در اطراف گلوی گنبد (فضای داخلی)، کتیبه‌ای به خط کوفی از دورهٔ ملکشاه سلجوقی وجود دارد که در آن از این پادشاه و وزیر او خواجه نظام‌الملک نام برده شده است. این کتیبه مربوط به سال‌های حدود (۱۱۰۰ میلادی) اواخر قرن پنجم هجری است (هنرفر، ۱۳۵۰: ۹۵).

ــ در داخل ایوان جنوبی متصل به گنبد نظام‌الملک کتیبه‌هایی با تاریخ‌های ۸۸۰، ۹۳۷، ۱۰۷۰ ق به چشم

می‌خورد (همان ۹۱). :

ـ در مدخل ایوان جنوبی به گنبد نظام‌الملک دو فرمان یکی از شاه اسماعیل صفوی مورخ ۹۱۱ق (۱۵۳۱م) و دیگری از شاه طهماسب صفوی وجود دارد. در طرفین همین مدخل دو محراب در دیوار انتهای ایوان وجود دارد که هر دو دارای تاریخ ۹۱۸ق (۱۵۳۸م) است (همان: ۹۱).

ـ داخل ایوان غربی مسجد، معروف به صفهٔ استاد با کتیبه‌های متعددی مربوط به سال ۱۱۱۲ق تزیین شده است (هنرفر، ۱۳۵۰: ۱۰۹).

ـ در ایوان شمالی مسجد، معروف به ایوان درویش، کتیبه‌هایی با تاریخ‌های ۱۰۹۳ و ۱۰۹۸ق وجود دارد (همان: ۱۲٤ و ۱۲۷).

ـ ایوان شرقی مسجد، معروف به ایوان شاگرد دارای محرابی با تاریخ ۹۹۲ق (۱٦۱۰م) و کتیبه‌ای با تاریخ ۱۰۹۳ق است (همان ۱۳۵). :

ـ در داخل گنبد تاج‌الملک (گنبد شمالی) کتیبه‌ای به تاریخ ٤۸۱ق دیده می‌شود (همان ۷۷). :

ـ در داخل نمازخانهٔ الجاتیو در ضلع غربی مسجد، محراب معروف و بسیار زیبای الجاتیو مزین به گچبری‌های بسیار متنوع و کتیبه‌های متعدد قرار دارد و تاریخ ۷۱۰ق (۱۳۳۰م) در آن ذکر شده است (همان: ۱۱۹).

ـ بر سردر ورودی به نمازخانهٔ الجاتیو در داخل حیاط بر روی نمای غربی مسجد، کتیبه‌ای با تاریخ ۸۵۱ق (۱۳۷۱م) دیده می‌شود (همان ۱۲۲). :

سردرهای ده‌گانهٔ مسجد دارای کتیبه‌های مختلف و متنوعی است (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۵۷٤ و ۵۷۵).

ـ سردر جنوب شرقی مشرف به کتابخانهٔ سلجوقی دارای تاریخ ۹٦۲ق (۱۵۸۲م) است.

ـ سردر جنوب غربی مشرف به دالان حد فاصل مصلای مظفری و شبستان تیموری دارای تاریخ ۹۹۹ق است.

ـ سردر جنوب شرقی ورودی اصلی فعلی از خیابان و بازار مجاور دارای کتیبه‌ای به تاریخ ۱۲۱۸ق (مربوط به دورهٔ قاجار) است .

ـ سردر شمال شرقی کتیبه‌ای به تاریخ ۵۱۵ق دارد.

ـ در سردر شمالی جنب گنبد تاج‌الملک و مقبرهٔ علامه مجلسی، تاریخ‌های ۷٦۷ و ۱۰۹۲ق ذکر شده است.

ـ در ایوان جنوبی مدرسهٔ مظفری در کنار جبههٔ شرقی مسجد، تاریخ‌های ۷٦۷ و ۱۱۳۹ق نوشته شده است.

ـ محراب این صفه تاریخ ۷۷۸ق را بر خود دارد.

ـ سردر اصلی این مدرسه از داخل بازار مجاور، دارای تاریخ ۷٦۸ق است .

ب. اسامی پادشاهان، وزراء، بانیان و مباشران، و هنرمندان در کتیبه‌های متعدد مسجد جامع اصفهان

در کتیبه‌ها از پانزده پادشاه از جمله ملکشاه سلجوقی و شاه عباس صفوی و غیره به عنوان کارفرمایان نامبرده شده است. همچنین نام هفت مشاور و ناظر امور، مانند خواجه نظام‌الملک و محمدحسین‌خان صدر اصفهانی و نه نفر از بانیان و مباشران و بیست نفر از هنرمندان و خطاطان و نه نفر دیگر از گچبران و نجاران آورده شده است که معرفی همهٔ این افراد از حوصلهٔ این نوشته خارج است.

ج ۱. اسناد تاریخی (متون تاریخی و تألیفات اخیر)

متون تاریخی‌ای که از قرن سوم به بعد مسجد اصفهان را توصیف کرده اند جزو اسناد مهم تاریخی محسوب می‌شوند. مورخان و سیاحانی که در کتب خود به این مسجد اشاره کرده اند، عبارت اند از:

حافظ ابونعیم: او در قرن چهارم هجری در کتاب خود *اخبار اصفهان* چگونگی احداث مسجد قرن سوّم را بنا به روایت پدر خود شرح داده است (ابونعیم اصفهانی، ۱۳۷۷:

(۸٦).

حمزه اصفهانی: او در قرن چهارم هجری کتاب *تاریخ اصفهان* را تألیف کرده و عمدتاً راجع به اوضاع شهر و کلیات آن اطلاعاتی بر جای گذاشته است (حمزه اصفهانی، ۱۳٤٦).

مافروخی اصفهانی: از نویسندگان قرن پنجم هجری، مؤلف کتاب *محاسن اصفهان* است. او مسجد جامع اصفهان را قبل از اقدامات دوره سلجوقی دیده و شرح داده است و می‌گوید که آن مسجد از خشت خام ساخته شده بوده (مافروخی، ۱۳۲۸: ٦۲).

ابن حوقل: او در قرن چهارم کتاب صورةالارض را تألیف کرده و می‌نویسد که بنای مسجد جامع اوّلیه اصفهان از خشت خام ساخته شده بوده است (ابن حوقل،۱۳٤٥ : ۱۰۸).

ناصر خسرو قبادیانی: او در سفرنامه‌اش در شرح مسافرت به اصفهان می‌نویسد: .... در میان شهر مسجد آدینهٔ بزرگ و نیکو ساخته شده. او در سال ٤٤٤ ق به اصفهان آمده و مسجدی را که بازدید و تعریف کرده همان مسجد جامع قرن سوم با الحاقات دورهٔ دیلمی بوده است (قبادیانی، بی تا، ۱۳٤٦: ۱۳۷ و ۱۳۸).

ابو عبدالله مقدسی: او کتاب *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم* در جغرافیا را در نیمهٔ دوم قرن چهارم تألیف کرده و مسجد جامع قرن سوّم را دیده و شرح داده است (مقدسی، ۱۳٦۱: ۵۸۰).

ابن رسته: او از اهالی شهر اصفهان است که در قرن سوم می‌زیسته و کتابی در وصف شهرها و کشورها نوشته و از اصفهان نام آورده است (ابن رسته، ۱۳٦۵: ۱۷۹-۱۹۱).

میرزا حسین‌خان: او در اواخر قرن سیزدهم (نوزدهم میلادی) کتاب *جغرافیای اصفهان* را تألیف کرده و در آن بناهای تاریخی از جمله مسجد جامع را معرفی کرده است (تحویلدار، ۱۳٤۳).

محمدمهدی اصفهانی: او در اوائل قرن چهاردهم کتاب *نصف جهان فی تعریف اصفهان* را تألیف و بناها و مساجد اصفهان را معرفی کرده است (اصفهانی، ۱۳٤۰).

حاج میر سیدعلی جناب: او از مفاخر رجال اصفهان است و کتاب *الاصفهان* دربارهٔ تاریخ اصفهان را در نیمهٔ اول قرن چهاردهم هجری تألیف کرده است (جناب ، ۱۳۷٦).

ج ۲. منابع مورخان و خاورشناسان اروپایی:

ـــ *سفرنامه* ژان شاردن از دورهٔ صفویه (قرن هیجدهم میلادی (شاردن، ۱۳٤۹).

ـ *سفرنامه* پاسکال کوست و فلاندن از اواسط دورهٔ قاجار (قرن نوزدهم میلادی) (فلاندن و کست، ۱۳۵٦).

ـ *بررسی هنر ایران* نوشتهٔ پروفسور پوپ آمریکایی (در اواسط قرن بیستم میلادی) (pope, 1937).

ـ *معماری اسلامی ایران* نوشتهٔ دونالد ویلر (قرن بیستم) (ویلبر، ۱۳٦۵).

ـ *آثار ایران* تألیف آقای پروفسور گدار (قرن بیستم) (گدار، ۱۳۱۸).

ـ *مسجد جامع اصفهان* در سه جلد نوشته اوژن گالدیری (قرن بیستم) (گالدیری، ۱۳۹۲).

ـ مقالهٔ پروفسور اومبرتو شراتو در نشریهٔ *شرق و غرب* (قرن بیستم).

ـ کتاب *گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان* نوشتهٔ دکتر هنرفر (قرن بیستم) (هنرفر، ۱۳۵۰).

اهمیت احداث مسجد در روند شکل‌گیری و شهرسازی شهر اصفهان

بنیاد مسجد جامع اصفهان باعث ادغام و ترکیب مراکز روستایی مستقر در محوطهٔ سپاهان شد و در نتیجه هسته

اوّلیه شهر اصفهان از اواسط قـرن دوم هجـری ایجـاد شـد (شفقی، ۱۳۸۱: ۳۹۷).

از آن زمان مسجد جامع اصـفهان مـنعکس‌کننـده تحـولات شهر در دوره‌های بعدی شد. در کنار مسجد، اولین میـدان شهر شکل گرفت و در اطراف این میـدان بازارهـا و دیگـر بناهای عمومی ایجـاد شـد. محـلات مسـکونی در اطـراف مسجد توسعه یافت و مسیرها و گذرها با انشعابات متعـدد از ورودی‌های مسجد به داخل محله‌ها نفوذ کرد و به‌تدریج با یک رشد آزاد (ارگانیک) مؤلفه‌های شهرسازی مشـخص شد.

ـ در قرن سوم هجری (دهم میلادی) مسجد جامع به علت گسترش شـهر، دومـین مرحلـهٔ رشـد خـود یعنـی تجدیـد ساختمان و توسعه وسیع‌تـر را تجربـه کـرد. بـدین ترتیـب مسجد اولیهٔ قرن دوم جـای خـود را بـه مسـجد جدیـدتر سپرد، و مسجد جدید با اصلاح جهت قبلـه در محوطـه‌ای وسیع‌تر احـداث شـد. مسـجد جـامع از آن زمـان بـه بعـد همواره نقش مرکزیـت فعالیـت‌هـای مـذهبی ـ فرهنگـی و اجتمـاعی شـهر را در دوران حکومـت‌هـای آل بویـه، سلجوقیان، ایلخانان، و تیموریان به عهـده داشـته اسـت. و حتی زمانی که اصـفهان در دورهٔ صـفوی بـه عنـوان مرکـز حکومت ایران انتخاب شد (قـرن ۱۱ هجـری) و حکومـت صفویان اقدام به ایجاد مسجد جامع جدید در کنـار میـدان جدید کرد و مقر حکومت از مسـجد جـامع عتیـق فاصـله گرفت، این بنای عظیم تاریخی همچنان مقام و اعتبار خـود را حفـظ کـرد و تـا کنـون نیـز همچنـان جایگـاه مـذهبی فرهنگی را حفظ کرده است.

مسجد جامع همچـون الگـوی معتبـر بـرای احـداث و تغییرات در مساجد دیگر

مسجد جـامع اصـفهان بـا اقـدامات دورهٔ سـلجوقی بنـایی منحصربه‌فرد شد که هیچ نمونهٔ دیگری قبـل از احـداث آن وجود نداشته است (به عبارتی دیگر شناخته نشده اسـت)، ولی این موضوع مسلم است که مسجد جامع اصفهان خود الگویی شده است تا مساجد دیگری مانند مسـجد برسـیان (در ٤٠ کیلومتری شرق اصفهان) و مسجد جامع زواره (در جبههٔ شمال شرقی اصـفهان) از آن تقلیـد کننـد و حتـی در بعضی از مساجد موجود آن زمان مانند مسـجد اردسـتان و مسجد گلپایگان به پیـروی از جـامع اصـفهان تغییراتـی در وضع قبلی‌شان ایجاد شود و با احـداث گنبدخانـه و چهـار ایوان در اطراف حیاط شباهت‌هایی با مسجد جامع اصفهان پیدا کنند .

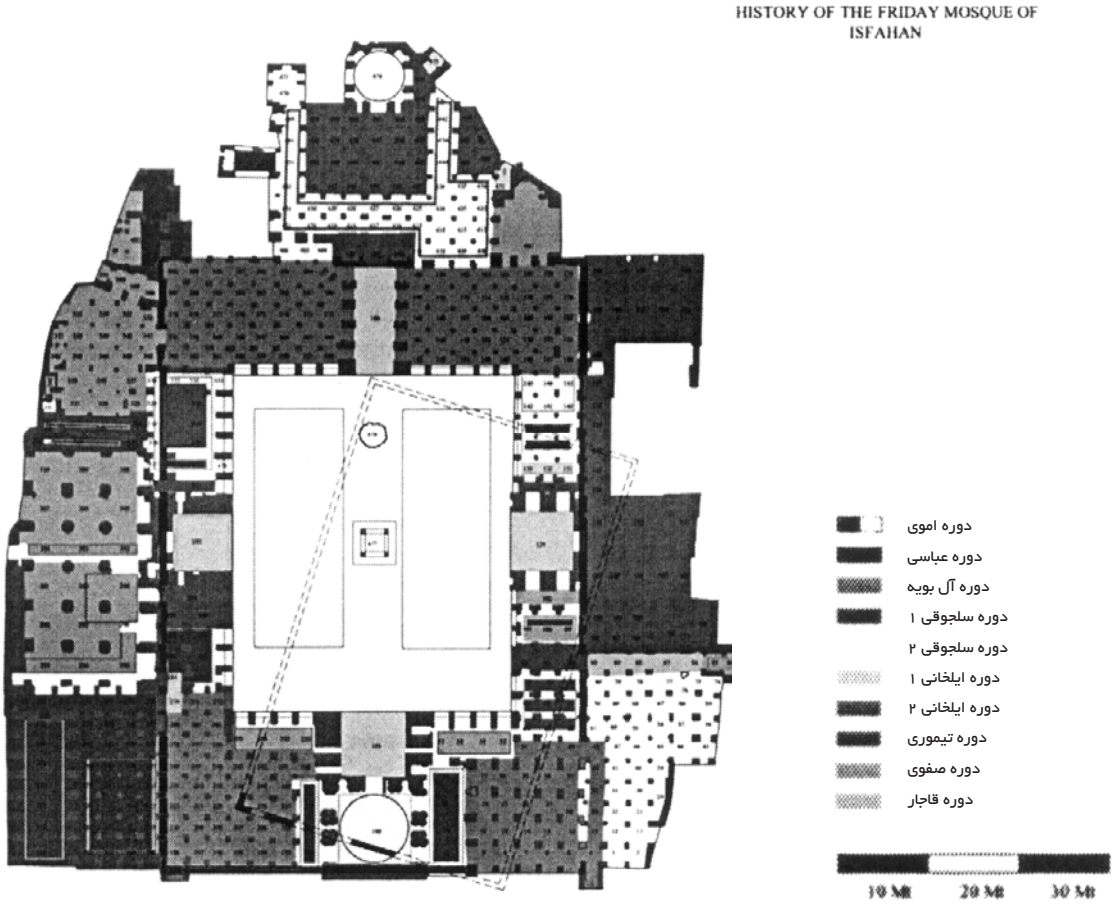
مقایسـه مسـجد جـامع اصـفهان بـا مسـاجد دیگـر سرزمین‌های اسلامی

شکوه و عظمت مسجد جامع اصـفهان عمـدتاً مربـوط بـه تغییرات و ابداعات قرن پنجم هجری یعنی دوران حکومت سلجوقیان است. قبل از این اقدامات متهورانه و هنرمندانـه، معماری در دیگر کشورهای اسلامی با چنین سـبکی اجـرا نشده بود؛ مسجد جامع امویان در دمشق، بازسازی مسـجد النبی در مدینه، مسجد جامع قرطبه در اندلس، مسجد جامع قیروان در تونس، مسجد ابن طولـون در قـاهره، و مسـاجد جامع سامره و بغـداد و دیگـر مسـاجد شـهرهای اسـلامی عمدتاً از سبک‌های متداول در آن سرزمین‌ها و به کارگیری مصالح و تکنیک‌های تجربه‌شده محلی ساخته شده بودنـد، ولی ایجاد مسجد چهارایوانـه بـا گنبدخانـه‌هـای وسـیع و مرتفع در هیچ‌کدام از سرزمین‌های دیگر تجربه نشـده بـود. تنها زمانی‌که این سبک در مسجد جامع اصفهان به مرحلـهٔ نهایی خود رسید، آنگاه در شهرهای دیگر سـرزمین وسـیع سلجوقیان مورد توجه قرار گرفت و به عنوان سـبک الگـو برای قرون متوالی همچنان معتبر باقی ماند.

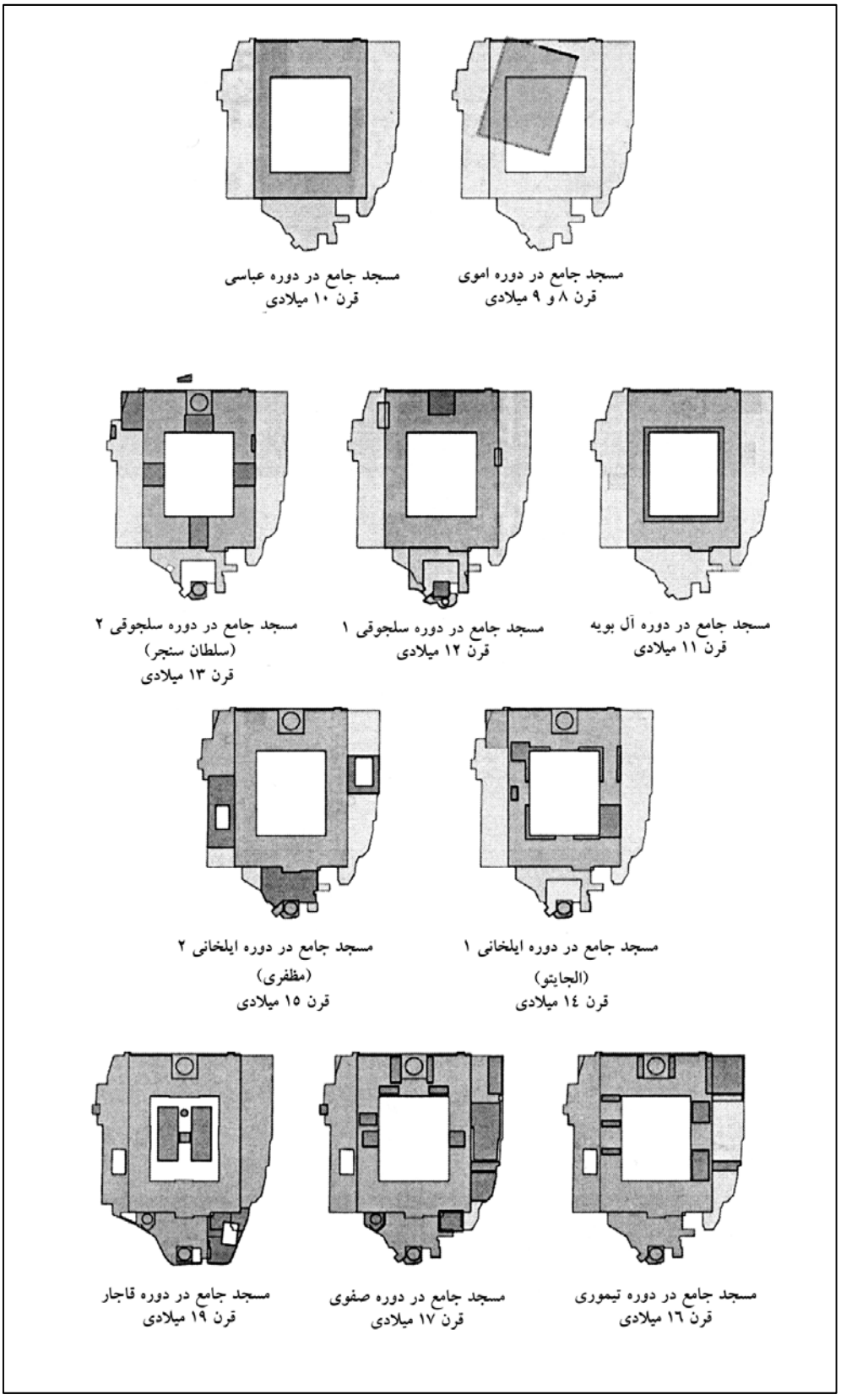
ـــ در دوران ایلخانـان مغـول کـه سـلطهٔ آنهـا نیـز در سرزمین‌های وسیعی (بسیار فراتر از ایـران امـروز) برقـرار

بود، در ساختن مساجد، سبک سلجوقی به کار گرفته شد.

ـــ در دوران تیـــــمور و جانشـینان او کـه در شـهرهای ماوراءالنهر و هند مساجد جدیدی احداث کرده اند، سـبک چهارایوانه مسجد جامع اصفهان الگوی غیر قابـل اجتنـاب بوده است. تیمور در تسلط بر شهرهای اصفهان و تبریـز و شیراز معماران و سازندگان مقیم این شهرها را که در کلیـهٔ اصول معماری مهارت داشتند به سمرقند منتقل کرد و آنهـا در آن شهرها شاهکارهای بسیار آفریدند و همگـی آنهـا در احداث مساجد خصوصـاً مسـاجد جـامع، از همـان سـبک چهارایوانه مسجد جامع اصفهان بهره گرفتند. گنبدسازی‌هـا که از طریق تبدیل مربع به هشت‌ضلعی و شانزده‌ضـلعی در ابعاد وسیع در مسجد جامع اصفهان دورهٔ سلجوقی تجربـه شده بود، در تمام گنبدهای مسـاجد بعـد از آن بـه عنـوان تجربهٔ اوّلیه و سرمشـق مطمـئن و پایـدار مـد نظـر بـود و معماران تمام سرزمین‌های اسلامی که تحت تـأثیر فرهنـگ دوران سلجوقی قرار داشتند، این سبک معماری را پیوسـته تداوم بخشیدند. سلسـلـه‌هـای دوره‌هـای بعـدی نیـز ماننـد ایلخانان، تیموریان، و صفویان در جغرافیای وسیع سیاسـی خود سبک به کاررفته در مسجد جامع اصفهان را به عنـوان سبک برتر تداوم بخشیدند. بنـابراین بـه جـرأت مـی‌تـوان اذعان کرد کـه مسـجد جـامع اصـفهان الگـوی بسـیاری از مساجد پس از خود بوده است .



نقشهٔ ۳. دوره‌های مختلف تاریخی مسجد جامع برگرفته از شرودر (مأخذ: گالدیری، ۱۳۹۲: ۳۲۸).



نقشهٔ ٤. پلان مسجد در دوره‌های مختلف اسلامی.

اصالت مسجد:

ـ مسئله بسیار پراهمیت دیگر اصالت بنای مسجد جامع اصفهان است. گرچه ساختمان مسجد، آثار و نشانه‌های معماری و هنری دوره‌های مختلف را در بر دارد، ولی شکی نیست که در هر دورهٔ آثار دوره‌های قبلی را تا حد امکان محترم و معتبر شمرده اند و اقدامات هر دوره را در کنار آثار قبلی در تکامل و توسعه مسجد به انجام رسانده اند. هیچ‌زمانی در جهت تخریب کامل مسجد برای نوسازی و تجدید کامل بنای آن اقدام نشده است، به جز اقدامات قرن سوم هجری (دهم میلادی) که یک اقدام بزرگ در بازسازی مسجد برای ایجاد فضاهای وسیع‌تر بخاطر ازدیاد جمعیت و اصلاح قبله بوده است.

گنبدهای آجری و سطوح تزیینی با نقوش هندسی، فضاهای داخلی گنبدخانه‌ها، ستون‌های آجری، طاق و چشمه‌ها، کاشیکاری‌ها، گچبری‌ها، حجاری‌ها، و غیره همگی مهر اصالت دوران ساخت را بر خود دارد و کتیبه‌های موجود اکثراً دلالت‌ابر تعلق هر قسمت به دوران مربوط به آن دارد و فقط در بعضی موارد که شرح آن متعاقباً خواهد آمد اقدامات مرمتی و گاهی بازسازی انجام گرفته است.

مراحل احداث و تغییرات در مسجد

مسجد جامع اصفهان در طول ۱۲ قرن شاهد تغییرات مهمی بوده و هر دوره نسبت به دورهٔ قبل، تکامل معماری مسجد را در پی داشته است (نقشه ۳ و ٤).

۱. مرحله اوّل: قرن دوّم هجری سال ۱۵٦ق

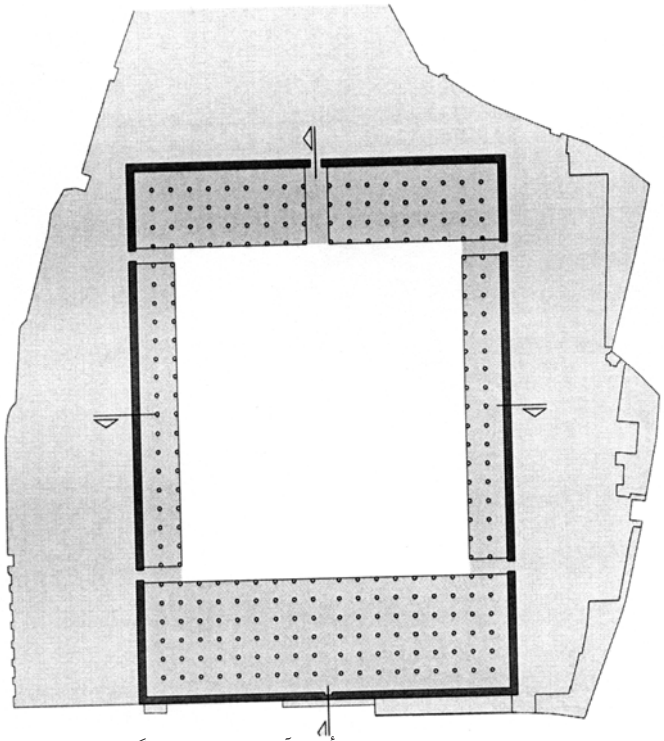
انعقاد نطفهٔ بزرگ شهر اصفهان را باید همزمان با بنیاد مسجد جامع اصفهان در محل فعلی آن در سال ۱۵٦ ق (۷۷۷ م) دانست. در آن تاریخ مسجد جامعی با وسعتی متناسب با جمعیت شهر و نیاز منتهی‌الیه شمال غربی میدان مرکزی آن منطقه بنا شد. این مرحلهٔ مسجد بعداً تخریب شد و نشانه‌های‌آن فقط در حفاری‌های باستان‌شناسی به دست آمده است.

۲. مرحله دوّم : قرن سوّم هجری سال (۲۲٦ ق) (قرن نهم ۸٤٦ م)

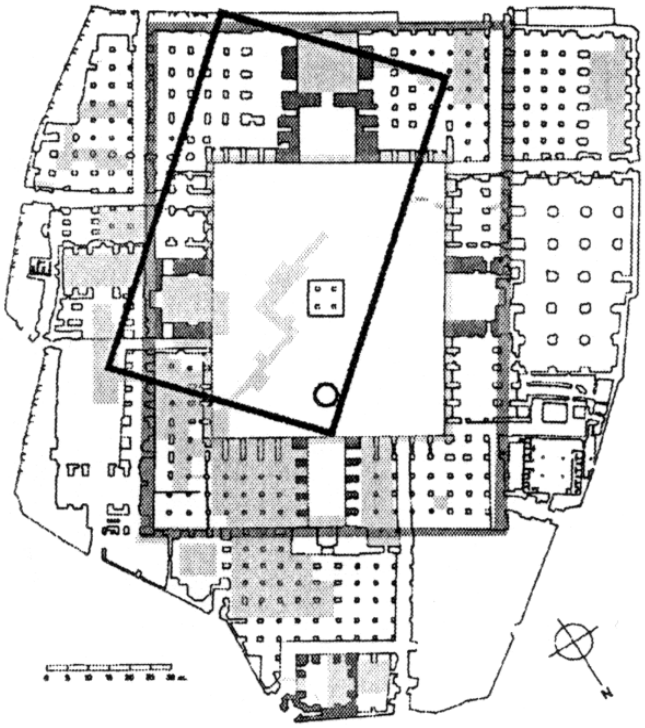
شهر اصفهان در قرن سوّم هجری (نهم میلادی) مسجد وسیع‌تری را می‌طلبید. بدین ترتیب در سال ۲۲٦ ق (۸٤٦ م) در زمان خلافت المعتصم عباسی، مسجد جامع شهر به دومین مرحلهٔ تحول اساسی خود پا گذاشت. مسجد اولیه که دارای ابعاد محدودی بود، تخریب شد و بر روی آن مسجدی عظیم با وسعت چندین برابر مسجد اولیه (حدود یک هکتار) پس از اصلاح جهت قبله بر پا شد. معماری مسجد به شیوهٔ معماری متداول و همزمان در سایر شهرهای اسلامی خصوصاً مسجد متوکل در سامره بود. به این ترتیب که صحن مرکزی وسیعی، با شبستان‌های ستوندار در اطراف آن با پوشش چوبی احداث شد. فضاهای سرپوشیده اطراف حیاط که به آن سبک شبستانی اطلاق می‌شود، در جبههٔ جنوبی (قبله) شش دهانه در شمال چهار دهانه و در شرق و غرب دو دهانه داشت. دیوار خشتی قطور و مرتفعی مسجد را احاطه می‌کرد که نمای خارجی آن به صورت جرز و دهانه با اندود کاهگل متمایل به رنگ قرمز تزیین شده بود. بخش‌هایی از این دیوار در چند نقطه از مسجد فعلی باقیمانده و قابل شناسایی است (نقشهٔ ۵ و ٦).

۳. مرحله سوّم: قرن چهارم هجری سال‌های ۳۲٦ تا ٤٤۲ ق (قرن دهم و یازدهم میلادی)

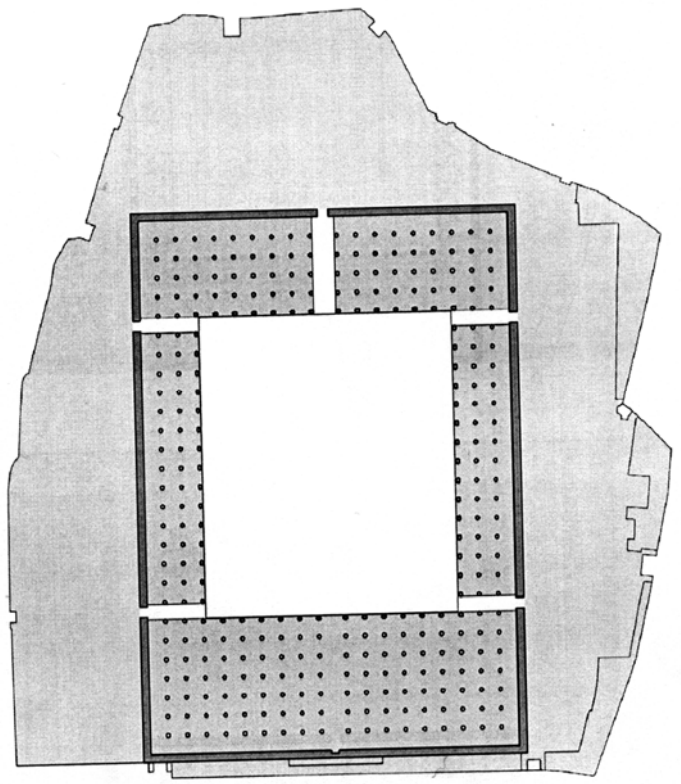
اوج جنبش‌های ملی و عقاید تشیع در ایران در قرن دهم میلادی (چهارم هجری) با روی کار آمدن آل بویه از مردمان ایرانی منطقهٔ شمال کشور مقارن بوده است .



نقشهٔ ۵ . پلان مسجد قرن سوم (مأخذ: آرشیو میراث فرهنگی اصفهان).



نقشهٔ ٦ . پلان جایگاه مسجد قرن دوم در لایهٔ زیرین مسجد قرن سوم (مأخذ: آرشیو میراث فرهنگی اصفهان).



نقشهٔ ۷ . پلان مسجد قرن چهارم (آل بویه) (مأخذ: آرشیو میراث فرهنگی اصفهان) .

این حکومت اصفهان را به عنوان یکی از مراکز عمدهٔ فرمانروایی خود انتخاب کرد و عملاً مسجد جامع نیز دور از این تحولات باقی نماند.

در این مرحله علاوه بر ایجاد یک مسجد جدید به نام جورجیر که تنها سردر زیبای آن باقی مانده است، در وضعیت موجود مسجد جامع نیز دخالت‌هایی شد. با اجرای یک دهانه در اطراف حیاط موجود، بر سطح فضای سرپوشیده قبلی افزوده شد و در اجرای آن، ضمن محترم شمردن ریتم و ارتفاع دهانه‌های موجود، ساختمان الحاقی را با ستون‌های ترکیبی با نوعی آجر پخته و نقوش هندسی احداث کردند به طوری که نمای زیبایی در داخل مسجد به وجود آمد.

گرچه این اقدام در مراحل بعدی با جرزهای جدید پوشیده شد، ولی آنچه در پیگردی‌ها و مطالعات فیزیکی مسجد به دست آمده است، حاکی از آن است که ستون‌های آل بویه در مسجد جامع، سیمایی بسیار زیبا و موزون داشته است (به نقشه‌های ضمیمه توجه شود) (نقشهٔ ۷).

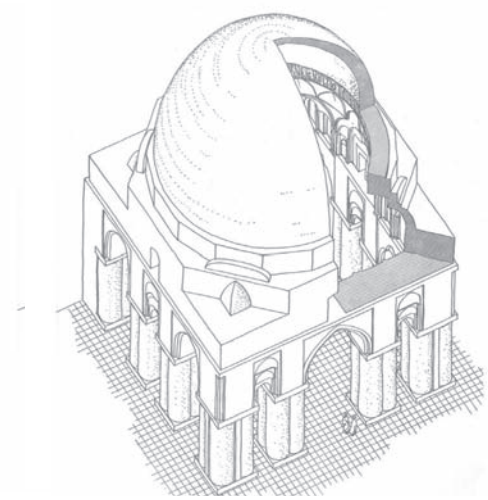
٤. مرحله چهارم : قرون یازدهم و دوازدهم میلادی (سال‌های ٤٤٣ تا ٥٩٠ هجری در دورهٔ سلجوقیان)

مسجد جامع اصفهان بزرگ‌ترین تغییر را از منظر تظاهر کالبد داخلی و خارجی در قرون یازدهم و دوازدهم میلادی به خود دیده است. مهم‌ترین تحول در معماری دورهٔ اسلامی ایران در این مرحلهٔ تاریخی به وجود آمده است . تغییرطرح فضاهای ستوندار شبستانی به مساجد چهارایوانی ـ که در ابتدا ویژهٔ ایران‌زمین بود ـ در قرون یازدهم و دوازدهم میلادی از مسجد جامع اصفهان آغاز شده است . با ساختن گنبد نظام‌الملک در جنوب و گنبد تاج‌الملک در

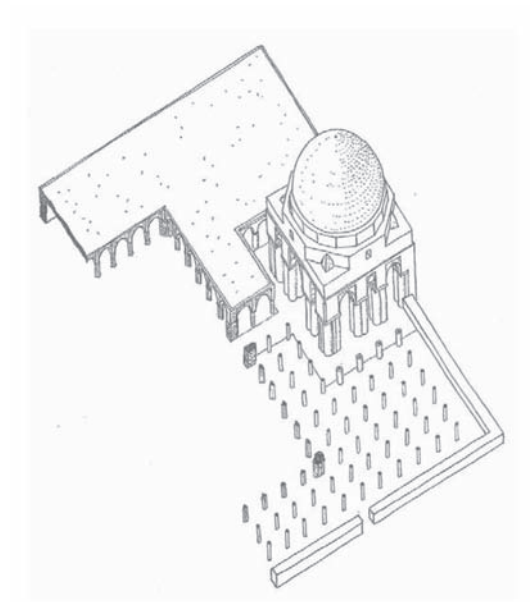
شمال مسجد و ایجاد چهار ایوان بر محورهای اصلی صحن مسجد، معماری قبلی آن از حالت مسجد شبستانی ساده خارج شده و به سبک چهارایوانی تبدیل شد. از این پس مساجد چهارایوانی یکی از خصوصیات بارز معماری مسجدسازی نوین شد. اصفهان در فاصله قرن سیزده تا اواخر قرن هیجدهم میلادی یعنی تا افول سلسلهٔ صفوی دچار نوسانات شدید اجتماعی - فرهنگی سیاسی شد و عملاً تغییراتی در مسجد جامع اصفهان به وجود آمد که عمدتاً در تغییر جنس و رنگ سطوح داخلی و نماهای اطراف مسجد جامع تظاهر کرده است، ولی خصلت چهارایوانی و شکوه عناصر برافراشته دورهٔ سلجوقی همواره تعلق آن را به آن زمان تثبیت کرده است. اقدامات دورهٔ سلجوقی در مسجد به شرح ذیل است:

۱.٤. گنبد جنوبی مشهور به خواجه نظام‌الملک

گنبد نظام‌الملک پس از تخریب قسمتی از شبستان واقع در جبههٔ جنوبی مسجد به صورت منفرد و آزاد ایجاد شده است (حدود سال ۱۰۸۰ م). به صورتی که فضاهای سرپوشیده طرفین از ساختمان مسجد جدا بوده و فضای خارجی گنبد در سه جبههٔ شمالی و شرقی و غربی کاملاً آزاد بوده است. فضاهای سرپوشیده فعلی در دوره‌های پس از ساخت گنبد ایجاد شده است. این گنبد عظیم با دهانه‌ای بیش از پانزده متر و با ارتفاع حدود ۳۰ متر با سازهٔ هشت‌ترکی بر روی گریو (گلوی گنبد) استوانه‌ای شکل قرار گرفته است. این استوانه خود بر روی گوشه‌سازی‌های بسیار زیبا و ماهرانه ساخته شده است که به عنوان عناصر باربر واسطه‌ای تعریف می‌شوند. این گوشه‌سازی‌ها بار گنبد و گریو آن را به ستون‌های هشت‌گانه منتقل می‌کند. مقطع ستون‌های باربر عمودی از ترکیب چهار دایره طراحی شده تا به جای یک ستون مکعبی حجیم و سنگین، ظرافت بیش‌تری را نشان دهد. بنای گنبد دارای دو پوستهٔ آجری است: پوستهٔ خارجی که ترکبندی‌ها را می‌پوشاند و پوستهٔ داخلی که پوششی است که بین ترکبندی‌ها قرار دارد. بر روی نمای داخلی استوانهٔ زیر گنبد کتیبه‌ای به خط کوفی ملکشاه سلجوقی و وزیر او نظام‌الملک را به عنوان بانی گنبد معرفی می‌کند. در فاصلهٔ بین آجرها مهره‌های گچی ساخته شده است که علامت معماری روزگار ملکشاه است (نقشه ۸ و ۹) (تصویر ۲ و ۳).



نقشهٔ ۸ . طرح سه‌بعدی گنبد نظام‌الملک
(مأخذ: گالدیری، ۱۳۹۲: ۱٦۳).

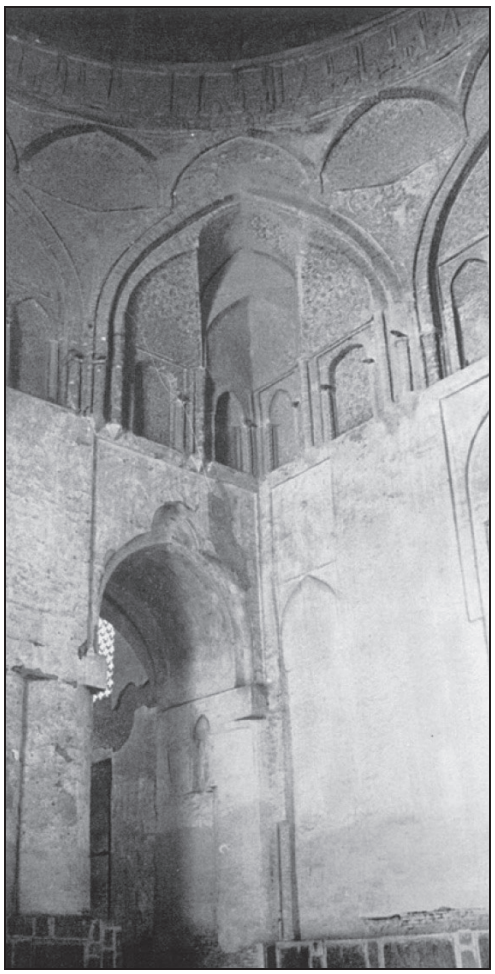


نقشهٔ ۹. طرح سه‌بعدی گنبد نظام‌الملک (مأخذ: گالدیری، ۱۳۹۲: ۲۱٦).

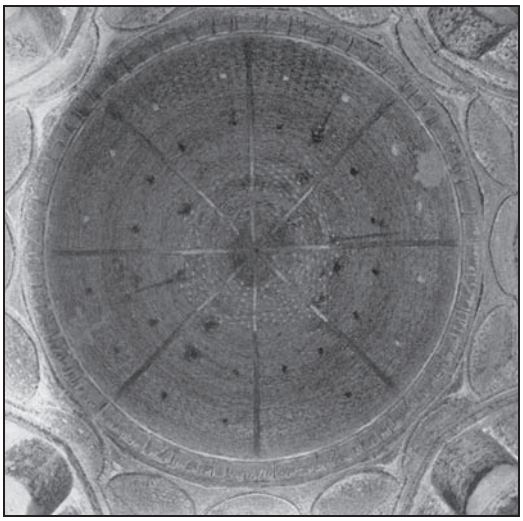
۲.٤. گنبد شمالی معروف به تاج‌الملک

این گنبد در جبهۀ شمالی مسجد و دقیقاً بر روی محور گنبد جنوبی با فاصله‌ای از دیوار شمالی قرار دارد و در آن زمان خارج از محوطۀ مسجد ساخته شده بوده است. گنبد تاج‌الملک مسلماً به صورت یک ساختمان جدا و مستقل احداث نشده بلکه عضوی از مجموعه بناهای گستردۀ حکومتی بوده که در جهات جنوب و غرب به آن متصل بوده اند ولی نماهای جنوبی و شرقی آن از ابتدا آزاده بوده است. مدخل ورودی گنبد به صورت یک ورودی مستقل در جبهۀ شرقی گنبدخانه در دورۀ بعدی ساخته شده است.

به نظر می‌رسد کاربری این گنبد به علت فقدان محراب و آزاد بودن دهانۀ رو به قبله، عمدتاً تشریفاتی بوده است. این گنبد به خاطر استفاده از انواع آجرهای پیش‌بر در ایجاد انواع گوناگون نقوشی تزیینی هندسی و اجرای بسیار ماهرانه و هنرمندانه دیوارها و جرزهای آن به‌عنوان یکی از زیباترین گنبدهای بلاد اسلامی شناخته شده است . تکنیک ساختمان گنبد تاج‌الملک همانند گنبد جنوبی با تبدیل پلان مربع به هشت‌ضلعی و سپس به شانزده‌ضلعی از طریق ایجاد گوشه‌سازی‌های چهارگانه و قرارگیری استوانه زیر گنبد، بر روی آنها اجرا شده است. گنبد همچنان به صورت دوپوستۀ پیوسته ساخته شده و پوسته‌های خارجی و داخلی گنبد، ترک‌بندی‌ها یا اسکلت باربر گنبد را پوشانده اند. پوستۀ داخلی با یک طرح هندسی مزین به آجرکاری، در نوع خود بی‌نظیر است. در اطراف داخل گریو گنبد کتیبۀ آجریِ برجسته‌ای به خط کوفی، تاریخ احداث گنبد را به سال ٤٨١ق (١١٠٣م) و بانی آن را تاج‌الملک معرفی می‌کند (تصویر ٤ و ٥).



تصویر ۲. گوشه‌سازی گنبد نظام‌الملک (مأخذ: میراث فرهنگی اصفهان)



تصویر ۳. پلان معکوس گنبد نظام‌الملک (مأخذ: میراث فرهنگی اصفهان)



تصویر ٤. پلان معکوس گنبد تاج‌الملک (مأخذ: میراث فرهنگی اصفهان).



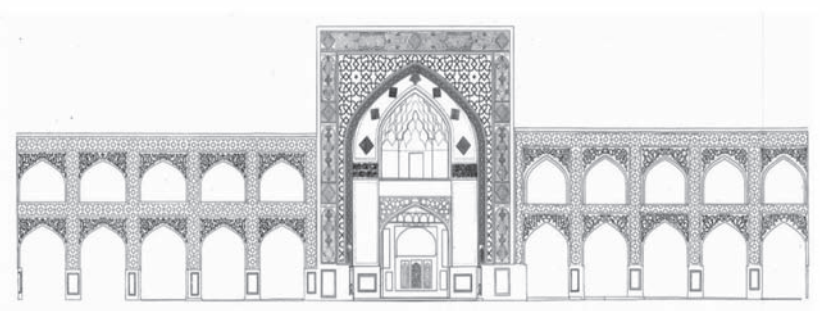
تصویر ٥. نمای داخلی گنبد تاج‌الملک (مأخذ: میراث فرهنگی اصفهان).

٤.٣. ایوان شمالی معروف به صفهٔ درویش، قرن دوازدهم میلادی (ششم هجری) با الحاقات قرون سیزدهم و چهاردهم میلادی

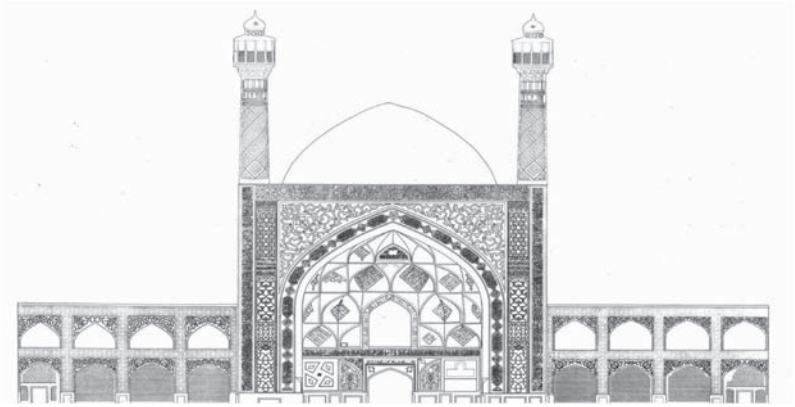
برای ایجاد این ایوان که بر روی محور طولی مسجد قرار دارد، تعدادی از ستون‌ها و دهانه‌های شبستان شمالی مسجد را تخریب کرده و به جای آن ایوان موجود ساخته شده است. انتهای شمالی این ایوان با دیوار شمالی خشتی مسجد قرن سوم منطبق است نقش مهرهای گچی‌ای که در فاصلهٔ بین بند آجرها ساخته شده است در ایوان شمالی نسبت به ایوان‌های دیگر متفاوت است.

توجه به جزییات تزیینات دیواره‌های این ایوان، و بررسی‌های انجام‌گرفته این نتیجه را همراه دارد که زمان ایجاد ایوان شمالی یا حداقل دورهٔ تزیین بدنه‌های آن، احتمالاً دیرتر از ایوان‌های دیگر بوده است. ولی به طور کلی تمام این ساخت‌وسازها در دورهٔ سلجوقی اتفاق افتاده است. قسمت انتهای شمالی این ایوان با راهرویی به فضای گنبد تاج‌الملک، مرتبط بوده است که در دوره‌های بعد با ایجاد شبستان‌های ستوندار در حد فاصل ایوان شمالی با گنبد تاج‌الملک راهروی اولیه برچیده شده است و ورودی به صحن از جبههٔ شمالی از ایوان مسدود شده و راهروی دیگری ایجاد شده است.

در انتهای ایوان شمالی نیم‌طبقه‌ای ساخته شده است که دسترسی به آن از دو راه‌پله در خارج از محوطهٔ ایوان امکان‌پذیر است. در سطح همکف دیوار شمالی ایوان با سنگ‌های مرمر مشبک راه ورودی اولیه مسدود شده است. بنا بر نظریهٔ اوژن گالدیری احتمالاً در طرفین ورودی اولیه در انتهای ایوان شمالی دو مناره وجود داشته که بعدها برچیده شده است، چون پوشش‌های طاق چشمه پشت ایوان منظرهٔ مناره‌ها را کور کرده و به آن علت حذف آنها ایرادی نداشته است. در دیوارهای طرفین ایوان شمالی کتیبه‌هایی به خط بنایی و ثلث گچبری شده است که نام استادان خطاط با تاریخ نگارش آنها در آن ذکر شده است (نقشهٔ ١٠).



نقشهٔ ۱۰. نمای ایوان شمالی مسجد (مأخذ: میراث فرهنگی اصفهان).



نقشه ۱۱. نمای ایوان جنوبی مسجد (مأخذ: میراث فرهنگی اصفهان).

٤.٤. ایوان جنوبی معروف به ایوان صاحب، قرن دوازدهم میلادی (ششم هجری)

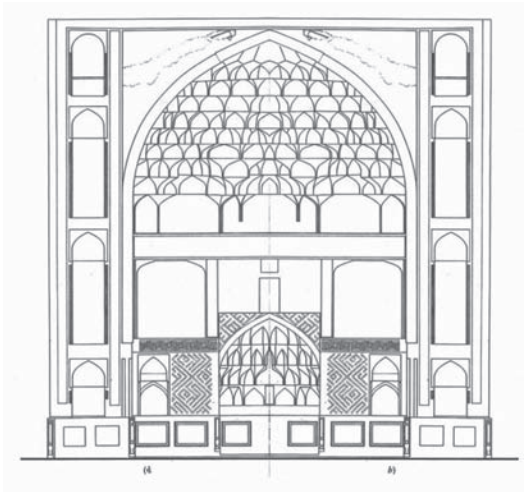
ساختمان ایوان جنوبی برای ایجاد ارتباط میان حیاط مسجد با گنبد نظام‌الملک ساخته شده است. احداث ایوان مسلماً فضای سرپوشیده گسترده‌تری برای نمازگزاران در فضای ورودی گنبدخانه ایجاد کرده است. بدین ترتیب ورود به فضای وسیع گنبدخانه از طریق این ایوان انجام می‌گرفت و ساختمان ایوان همچون یک سردر باعظمت در جلوی گنبد ظاهر می‌شد. دیوارهای طرفین این ایوان از لبهٔ حیاط تا ستون‌های گنبد ادامه داشت، ولی با ایجاد آن نمای اوّلیهٔ گنبدخانه به طرف شمال کاملاً پوشیده شد. پوشش ایوان دولایه است. لایهٔ بیرونی وظیفهٔ پوشش ایوان را دارا بوده و لایهٔ داخلی به‌صورت طاق تزیینی با فرم‌های درهم‌آمیخته صحنه بسیار آراسته‌ای را به وجود آورده است. نماسازی با ترکیب آجر و کاشی تمام سطوح ایوان را مزین کرده و کتیبه‌های اطراف آن، عناصر تزیینی را تکمیل کرده است. بر روی جرزهای طرفین ایوان در لبهٔ حیاط دو منارهٔ بلند برافراشته شده است و سطوح نمای ایوان به طرف حیاط و بدنهٔ مناره‌ها، تماماً با کاشی پوشیده شده است. اکثر اقدامات تزیینی و کتیبه‌های ایوان صاحب مربوط به دورهٔ صفوی است و تاریخ آنها قرن دهم هجری (شانزدهم و هفدهم میلادی) رقم خورده است (نقشهٔ ۱۱) (تصویر ٦).



تصویر ٦. ایوان نظام‌الملک (مأخذ: میراث فرهنگی اصفهان).

۵.٤. ایوان شرقی معروف بـه **صفهٔ شاگرد، قرن دوازدهـم میلادی (ششم هجری)**

ایوان شرقی در وسط ضلع شرقی حیاط مسجد قرار گرفتـه است. انتهای شرقی فضای این ایوان به دیوار خشتی مسجد قرن سوم منتهی می‌شود. برای احداث بنـای آن تعـدادی از ستون‌های مسجد قرن سوم همانند ایوان‌های دیگر تخریب شده و در جای آن این ایوان سـاخته شـده اسـت. طـرفین شمالی و جنوبی ایوان شرقی پس از احـداث، بـرای مـدتی آزاد بوده است ولی بعداً با ایجاد دو راهرو، طرفین ایوان را به شبستان‌های مجاور متصل کرده اند. سـقف تزیینـی ایـن ایوان دارای مقرنس‌کاری دورهٔ سلجوقی بوده ولی بعداً فرو ریخته است و در زمان صفوی با مقـرنس‌هـای رایـج دورهٔ صفوی بازسازی شده است. نمای ایـوان بـه سـمت داخـل حیاط مسجد کاملاً دارای سبک سلجوقی است و عمدتاً بـا نقوش متنوع آجرکاری ساخته شده است و خوشـبختانه بـا آنکه در دوره‌های بعدی نمای ایوان‌هـای دیگـر بـا کاشـی پوشیده شده است، نمای این ایوان به صورت اصلی و اوّلیه باقی مانده است. محراب و تزیینات گچبـری و کتیبـه‌هـای اطراف ایـوان مربـوط بـه دورهٔ صـفوی اسـت (نقشـهٔ ۱۲) (تصویر ۷).



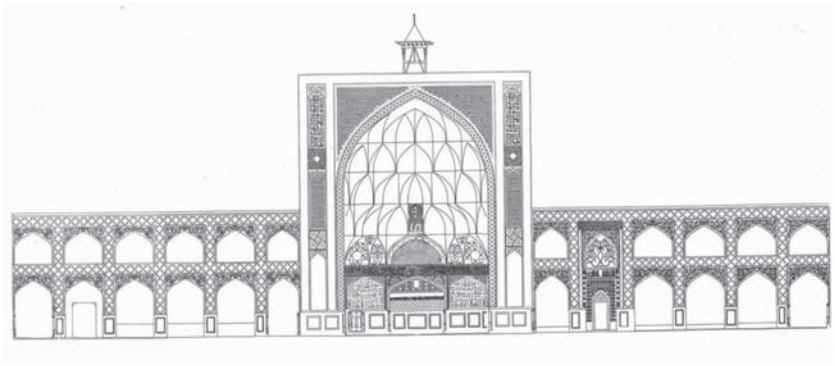
نقشهٔ ۱۲. نمای ایوان شرقی مسجد (مأخذ: گالدیری، ۱۳۹۲: ٤۲۳).



تصویر ۷. ایوان شرقی مسجد (مأخذ: میراث فرهنگی اصفهان).

٦.٤. ایوان غربی معروف به صفهٔ استاد، قـرن دوازدهـم میلادی (ششم هجری)

در ضلع غربی حیاط مسجد، بر روی محور هندسی عرضی حیاط، ایوان غربی یا صفهٔ استاد قرار گرفته است. ساختمان این ایوان با ایوان‌هـای شـرقی و جنـوبی همزمـان اسـت و برای ایجاد آن تعدادی از ستون‌ها و دهانه‌های مسجد قـرن سوم (دهم میلادی) تخریب شده و در محـل آن سـتون‌هـا ایوان غربی ساخته شده است که در بسیاری از جهات شبیه ایوان شرقی است. مقرنس‌های طاق ایوان غربی بـه سـبک سلجوقی و مشابه مقرنس‌هـای ایـوان جنـوبی اسـت، ولـی سطوح داخلی ایوان در دورهٔ صفوی در قیـاس بـا صـورت اولیه کاملاً دچار تغییرات شده است. تزیینات کاشیکاری با خطوط بنایی، ثلث و نستعلیق (نگارش کتیبه‌ها) زیبایی‌های منحصربه‌فردی را آفریده اند. عمق غربی ایوان به حد دیوار خشتی مسجد قرن سوم می‌رسد و نمـای ایـوان در داخـل حیاط با کاشیکاری تزیین شـده و بـر فـراز آن یـک مأذنـه سـاخته شـده اسـت. در مجمـوع هـر کـدام از ایـوان‌هـای چهارگانه دارای تزیینات و زیبایی‌های مخصوص بـه خـود است (نقشهٔ ۱۳)(تصویر ۸).



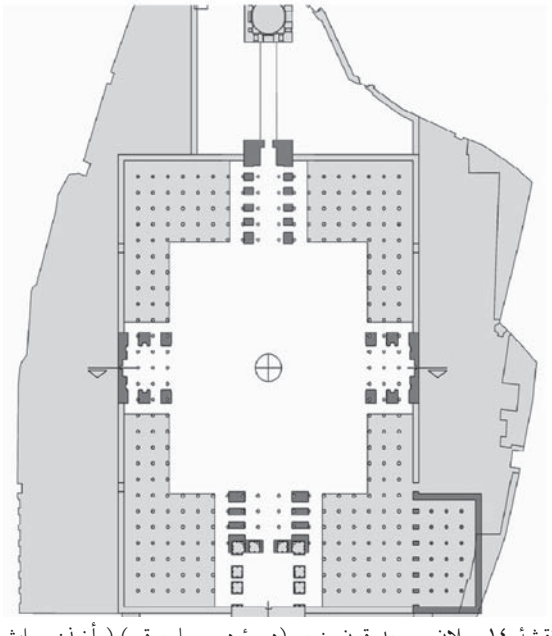
نقشهٔ ۱۳. نمای ایوان غربی (مأخذ: گالدیری، ۱۳۹۲: ٤۲۰).



تصویر ۸ . ایوان و جبههٔ غربی مسجد (مأخذ: میراث فرهنگی اصفهان).

۷.٤. احداث کتابخانهٔ دورهٔ سلجوقی در مجاورت مسجد قرن دوازدهم میلادی (ششم هجری)

در گوشهٔ جنوب شرقی مسجد، فضای وسیعی به صورت شبستان ستوندار وجود دارد که در زمان سلجوقیان احداث شده است و فضای مسجد در آن جهت، فراتر از دیوار خشتی اولیه گسترش یافته است. برای این منظور دیوار خشتی در قسمتی از ضلع شرقی تخریب شده و فضای جدید احداث شده است که با فضاهای قبلی درآمیخته است. اطلاق نام کتابخانه به این عملیات توسعه به علت اشارهٔ مافروخی مورخ و نویسندهٔ کتاب *محاسن اصفهان* است که محل کتابخانه قدیمی مسجد را در *جبههٔ* جنوب شرقی ذکر کرده است. دخالت‌های بعد از دورهٔ سلجوقی، فضای مورد نظر را بیش‌تر به یک محوطهٔ مخصوص نماز و عبادت تبدیل کرده است ولی ساختمان اصلی بنا مربوط به دورهٔ سلجوقی است و چند دهانهٔ طاق و چشمه از معماری اصیل دورهٔ اولیه که با مهارت‌ها و تنوع قابل تحسین ساخته شده ـ و انعکاسی از شیوهٔ (رازی) معماری سلجوقی است ـ باقیمانده است و بقیهٔ پوشش‌های ساده مربوط به دورهٔ آل مظفر است. احتمالاً در یک دورهٔ تاریخی کتابخانهٔ سلجوقی تخریب شده و در دورهٔ آل مظفر بازسازی شده است (نقشهٔ ١٤)(تصاویر ۹).



نقشهٔ ١٤- پلان مسجد قرن پنجم (دورهٔ دوم سلجوقی) (مأخذ: میراث فرهنگی اصفهان).



تصویر ۹. پوشش‌های کتابخانهٔ دورهٔ سلجوقی (مأخذ: میراث فرهنگی اصفهان).

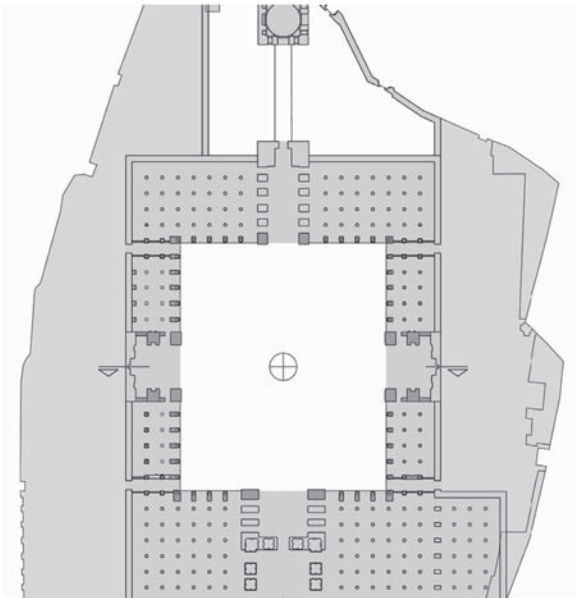
۵. اقدامات دورهٔ ایلخانی، قرن هشتم هجری (قرن چهاردهم میلادی)؛ احداث نمازخانهٔ الجاتیو

محراب معروف اولجاتیو داخل فضایی در جبههٔ غربی حیاط مسجد، بر روی دیوار شمالی ایوان غربی ساخته شده است. این محراب با هنر گچبری و استفاده از انواع خط تزیین شده است و می‌توان آن را زیباترین محراب گچبری دوران ایلخانی قلمداد کرد. فضای مقابل این محراب در ابتدا به صورت شبستانی با ستون‌های مسجد قرن سوم و ردیف لبهٔ حیاط دارای ستون‌های دورهٔ دیلمی بوده است . تاریخ محراب ۷۳۰ق (۱۳۵۲م) است. ولی در فاصلهٔ کم‌تر از نیم قرن فضای ستوندار جلوی محراب تخریب شده و به ایجاد یک فضای وسیع یکدست بدون مزاحمت ستون‌ها اقدام شده است. تاریخ ایجاد نمازخانه ۷٦۸ق (۱۳٦۸م) است. در بررسی‌های انجام‌گرفته (رجوع شود به گزارش اوژن گالدیری مسجد جامع اصفهان جلد ۳) در زیر سطح کف موجود ته‌رنگ ستون‌های اوّلیهٔ به دست آمده است و تغییرات در معماری آن مشخص شده است.

پوشش این فضای مطلوب در جلوی محراب زیبای الجاتیو با طاق و تویزه اجراء شده است. تویزه‌های باربر به صورت پرچسبان (ضربی) ساخته شده است و طاق‌های آن هر کدام دارای سازه‌های پوششی مختلف هستند. این نوع پوشش در هیچ‌کدام از فضاهای پوشیدهٔ مسجد قبلاً اجرا نشده است و منحصربه‌فرد است.

اجرای این اقدام متهورانه یعنی ایجاد فضایی با دهانه‌ای به اندازهٔ دو برابر طاق و چشمه‌های قبلی باعث می‌شود که معماری لبهٔ حیاط در کنار این فضا تغییر یابد. به این منظور برای ایجاد سازه‌های باربر و مطمئن در مقابل نیروی رانش تویزه‌های جدید، جرزهای لبهٔ حیاط ضخیم‌تر شده و با دو طبقه طاق بر روی هم مقاومت لازم به وجود آمده است. در نتیجه نمای داخل حیاط دچار تغییرات مهمی شده و ردیف طاق‌نماهای قبلی به دو طبقه طاق‌نما تبدیل شده که وضعیت امروزی ناشی از آن تغییرات است.

این تغییر در محدودهٔ یک چهارم نمای کلی داخل حیاط، معماران را بر می‌انگیزد که کلیهٔ طاق‌نماهای دیگر را به تأسی از این قسمت با الحاق طاق‌نماهای دوطبقهٔ جدید بر روی کلیهٔ نماهای قبلی بازسازی و نظمی موزون ایجاد کنند (نقشه ۱۵ و ۱٦)(تصویر ۱۳ و ۱٤).



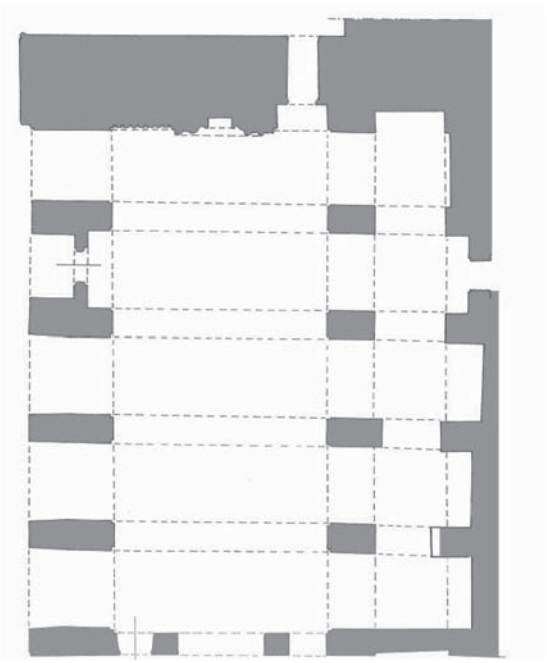
نقشه ۱۵. پلان مسجد قرن هشتم (دورهٔ مغول) (مأخذ: آرشیو میراث فرهنگی اصفهان).

٦. اقدامات دورهٔ مظفری (قرن چهاردهم میلادی)

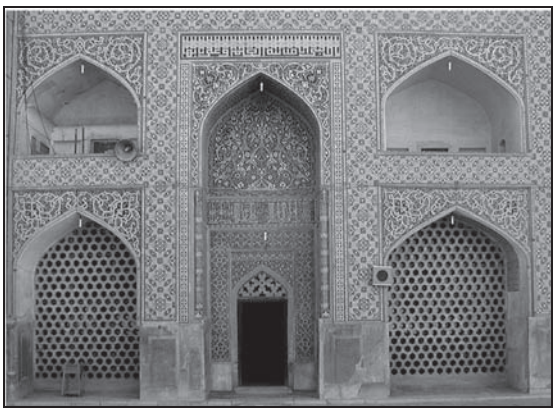
در پایان دورهٔ ایلخانی حکومت به آل مظفر منتقل شد. آنان عمدتاً در یزد و شیراز و اصفهان و کرمان دارای قدرت سیاسی شدند. محمودشاه مظفری حاکم اصفهان شد و در زمان او اقدامات وسیعی در مسجد، خصوصاً در خارج از حصار مسجد قرن سوم و در کنار خارجی بناهای سلجوقی انجام گرفت، از جمله:

١.٦. احداث مدرسهٔ مظفری

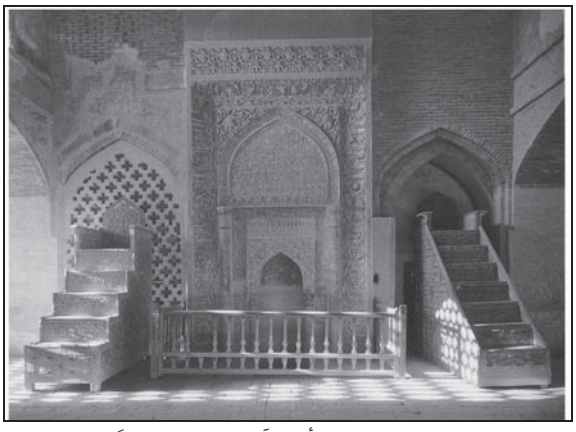
در جبههٔ شرقی مسجد، خارج از دیوار قدیمی و خشتی قرن سوم یک مدرسهٔ دینی ساخته شد. این مدرسه دارای حیاط مرکزی است و در آن حجرات در طرفین شرقی و غربی در دو طبقه اجرا شده است و در جبههٔ جنوبی به طرف قبله، ایوان و گنبدخانه‌ای با محراب احداث شده که دارای نقش دوگانهٔ محل تدریس (مدرس) و عبادت بوده است. در سمت مقابل آن در جبههٔ شمالی حیاط مدرسه ایوان دیگری بوده که همچون ایوان شمالی در جلو گنبدخانهٔ مدرسه، رفیع و دارای تزیینات بوده است. از قسمت‌های باقیماندهٔ جبهه شمالی و سطوح داخلی ایوان جنوبی استفاده از کاشیکاری معرق به خوبی مشخص است. استفاده از خط ثلث نیز بر زیبایی و ابهت مدرسه در زمان دائر بودن آن می‌افزوده است. این مدرسه از دورهٔ حکومت صفوی کاربری خود را از دست داده و حجره‌های شرقی آن به علت متروکه شدن تخریب شده است که در برنامه‌های مرمت و بازسازی احیای آن شرح داده خواهد شد. این مدرسه دارای یک ورودی مستقل از بازار مجاور است که تاریخ ٧٦٨ق (١٣٨٨م) بر سردر آن نوشته شده است. ارتباط مدرسه با حیاط مسجد از طریق راهروی کنار جبههٔ شمالی ایوان شرقی امکان‌پذیر است (نقشه ١٧ و ١٨).



نقشهٔ ١٦. نمازخانهٔ اولجایتو (دورهٔ مغول) (مأخذ: آرشیو میراث فرهنگی اصفهان).



تصویر ١٣. ورودی نمازخانهٔ اولجایتو (مأخذ: میراث فرهنگی اصفهان).

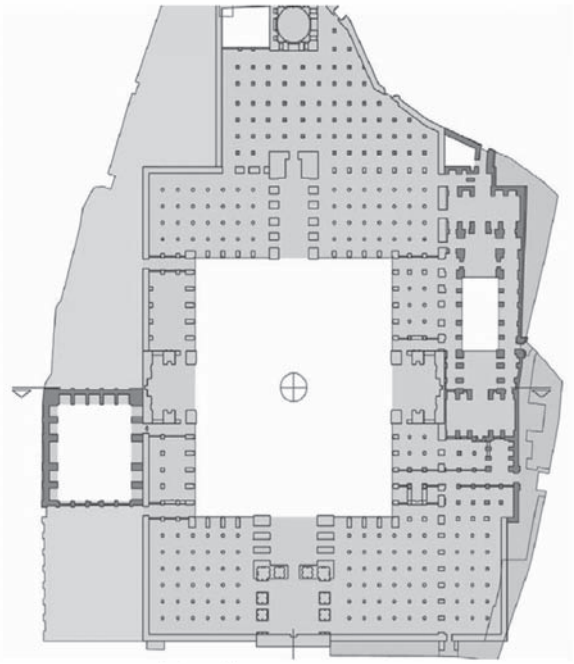


تصویر ١٤. محراب اولجایتو (مأخذ: آرشیو میراث فرهنگی اصفهان).

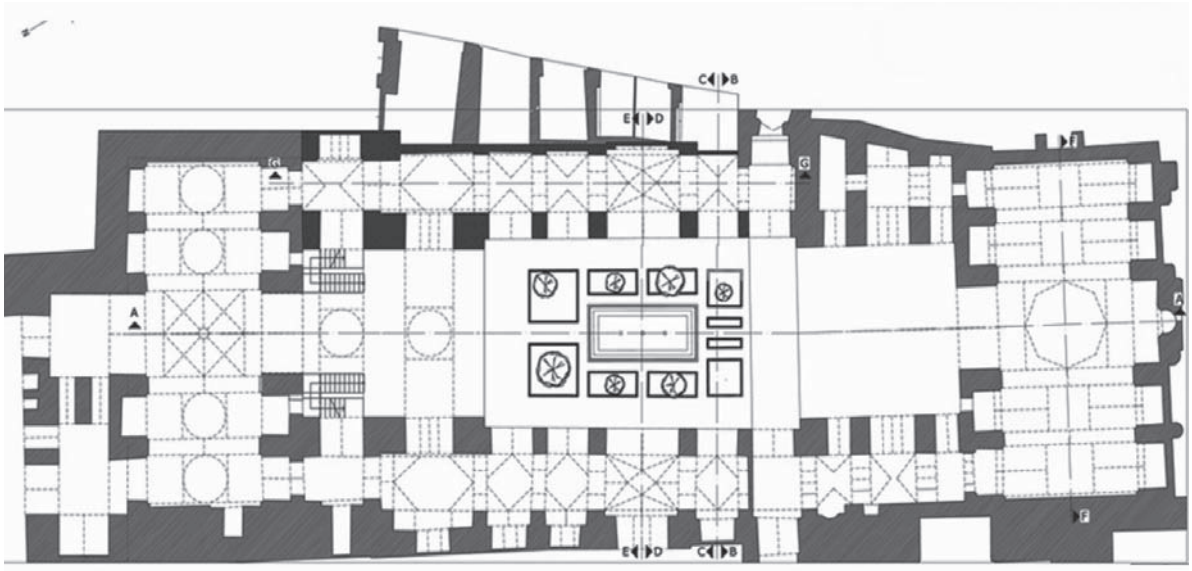
۲.٦. ایجاد مسجد مصلی

یکی دیگر از اقدامات دورهٔ مظفری ایجاد یک فضای سرباز به نام مصلی برای برگزاری نماز در محوطهٔ آزاد بوده است. محل این مصلی در پشت دیوار غربی مسجد قرن سوم بوده است، و ورودی آن در راهروی جنوبی ایوان غربی است. امروزه این مصلی از وضعیت اولیه خارج شده و به صورت شبستان زمستانی با طاق‌های مخصوص پوشیده شده است، ولی در سیمای اوّلیه، حیاط این مصلی با دیوارهای آجری و طاق‌نماهای بلند محصور بوده و بر روی دیوار جنوبی آن محرابی ساخته شده بود. این عملیات در بررسی‌های آقای گالدیری در جلد سوم کتاب *مسجد جامع* شرح داده شده است.

با توجه به شباهت‌های معمارانه و نوع مصالح و تزیینات بین این مصلی و مدرسهٔ مظفری، احداث مصلی را مربوط به دورهٔ آل مظفر می‌دانند ولی هیچ‌گونه کتیبه‌ای برای اثبات این مسئله به جا نمانده است.



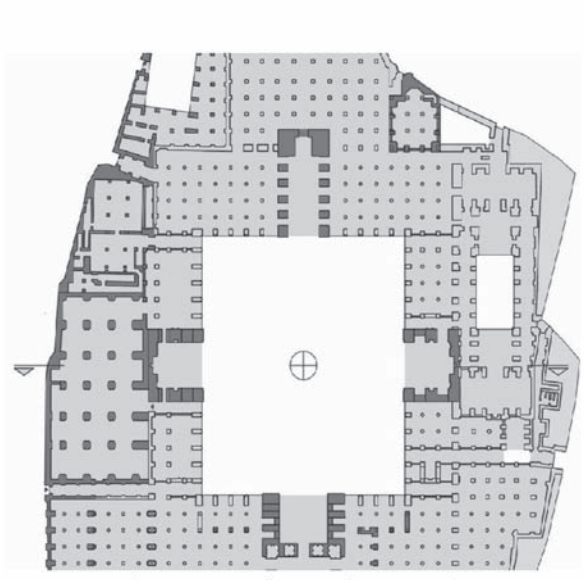
نقشه ۱۷. پلان مسجد قرن هشتم هجری (آل مظفر) (مأخذ: آرشیو میراث فرهنگی اصفهان).



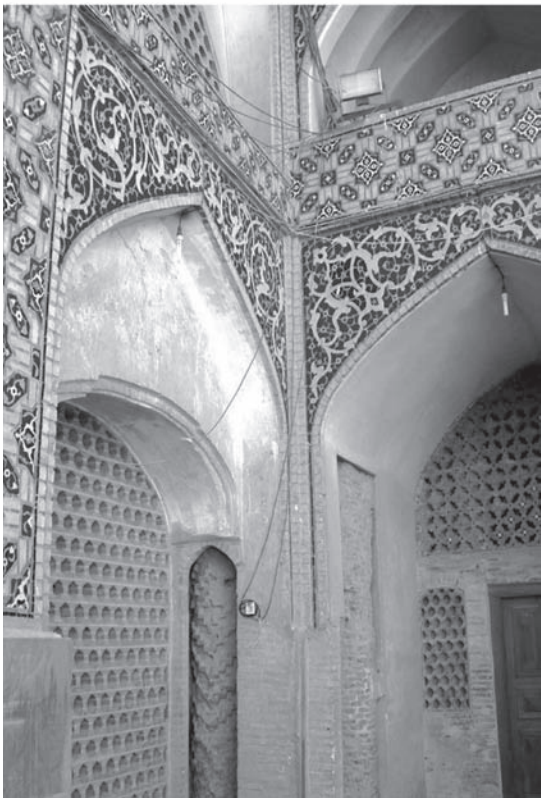
نقشه ۱۸. پلان مدرسهٔ مظفری (مأخذ: آرشیو میراث فرهنگی اصفهان).

۷. اقدامات دورهٔ تیموری (قرون چهاردهم و پانزدهم میلادی)؛ توسعهٔ مسجد در جبههٔ غربی و نماسازی‌های داخل حیاط

در دوران حکومت تیموریان در اصفهان، مسجد جامع همچنان اهمیت تاریخی و اجتماعی خود را حفظ کرد. حاکمان این دورهٔ سیاسی در چند قسمت از مسجد به عملیات توسعهٔ فضاهای عبادی و تزیین نماهای مسجد اقدام کرده اند. در جبههٔ جنوب غربی شبستانی ایجاد شد که عمدتاً ادامهٔ شبستان موازی دیوار قبله به سمت غرب است. این قسمت جدید در خارج از دیوار خشتی سمت غرب مسجد (مربوط به قرن سوم) بوده (تصویر ۱۵) و به همین جهت برای ایجاد ارتباط آن با شبستان‌های موجود، دیوار خشتی را در قسمت مورد نظر کاملاً برچیده اند و به جای آن ستون‌ها و طاق‌نماهایی به ضخامت دیوار ساخته اند، تا ارتباط شبستان جدید با شبستان قبلی به راحتی انجام پذیرد. ردیف ستون‌های جدید را نیز با محور ستون‌های قبلی منطبق کرده اند تا فضای یکدست مورد نظر ایجاد شود و صفوف نمازگزاران دچار آشفتگی نشود . شبستان دورهٔ تیموری دارای سطوح ساده و بدون تزیینات است. حتی محراب موجود آن نیز از سادگی ستون‌ها و پوشش‌های طاق و چشمه‌ها پیروی می‌کند. با احداث این شبستان، ورودی مسجد به سمت غرب جابه جا شد و راهرویی که در جبههٔ شمالی این شبستان احداث شد در پشت دیوار جنوبی مصلای مظفری قرار دارد. به وسیله این سردر ورودی، اتصال معبر غربی را به حیاط مسجد ممکن ساختند. این سردر در دورهٔ صفوی بازسازی و مزین شد؛ که دارای تاریخ ۹۹۹ق (۱۵۹۰م) است (نقشهٔ ۱۹).



نقشهٔ ۱۹. پلان مسجد قرن نهم هجری (دورهٔ تیموری) (مأخذ: آرشیو میراث فرهنگی اصفهان).



تصویر ۱۵. ستون آل بویه داخل جرزهای سلجوقی و کاشیکاری‌های تیموری (مأخذ: آرشیو میراث فرهنگی اصفهان).

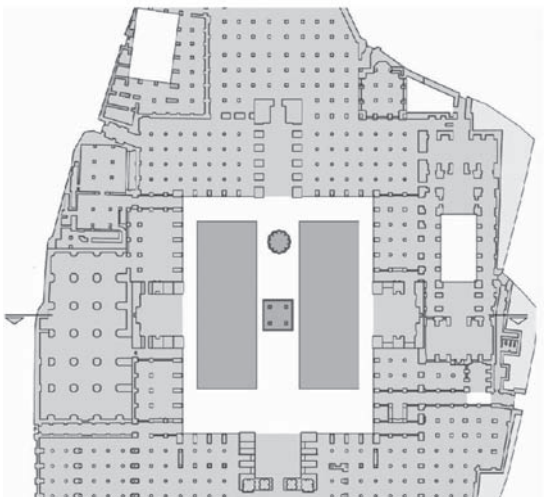
تزیین نمای صحن مسجد

نمای اطراف حیاط مسجد اولیه دورهٔ عباسی که بسیار ساده اجرا شده بود، در دورهٔ آل بویه با الحاق یک ردیف طاق و چشمه در داخل حیاط، نمای جدیدتری به دست آورد که یک‌طبقه طاق‌نما داشت و با آجر تزیین شده بود. در دورهٔ ایلخانی غرفه‌های داخلی صحن با یک نظم معمارانهٔ در حدود اوسط قرن چهاردهم میلادی به دوطبقه تبدیل شد و از لبهٔ پشت بام حدود ۱/۵ متر بالاتر رفت. در انتهای طاق‌نماهای طبقهٔ دوّم قوس‌های دورهٔ قبلی قابل مشاهده است. این تغییرات معماری در داخل نمای مسجد در دورهٔ جانشینان تیمور مرمت و با کاشی و آجر (معقلی) پوشیده شد و این اقدام تزیینی همچنان تا کنون بر جای مانده و اصالت خود را حفظ کرده است .

۸ . اقدامات دورهٔ صفوی (قرون هفدهم و هجدهم میلادی)

۱.۸. دخالت در قسمتی از شبستان تیموری

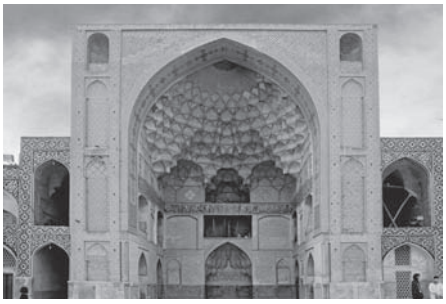
این قسمت در جنوب غربی مسجد واقع است. منظور از این عملیات، ایجاد یک فضای عبادی سر پوشیده با دهانهٔ وسیع و بدون حضور ستون‌ها در داخل آن بوده است . برای این منظور چند دهانه از شبستان تیموری در قسمت غربی کاملاً برچیده و ستون‌های آن حذف شد و یک نمازخانهٔ وسیع به جای آن ساخته شد. پوشش آن طاق و تویزه بوده و ورودی آن در راهروی واقع در شمال آن قرار دارد. دیوار غربی آن همان دیوار غربی شبستان تیموری است. برای ایجاد روشنایی نورگیرهایی در طاق‌های پوششی ایجاد کرده اند. در دیوار غربی هم پنجره‌هایی تعبیه شده است. در دیوار شمالی این نمازخانه در چوبی بسیار زیبایی با طرح‌های گره‌چینی نصب کرده اند. اطراف این ورودی با کاشیکاری معقلی تزیین شده است (نقشه ۲۰).



نقشهٔ ۲۰. پلان مسجد قرن دهم هجری (دورهٔ صفوی) (مأخذ: آرشیو میراث فرهنگی اصفهان).

۲.۸ . تعمیرات فضاهای داخلی

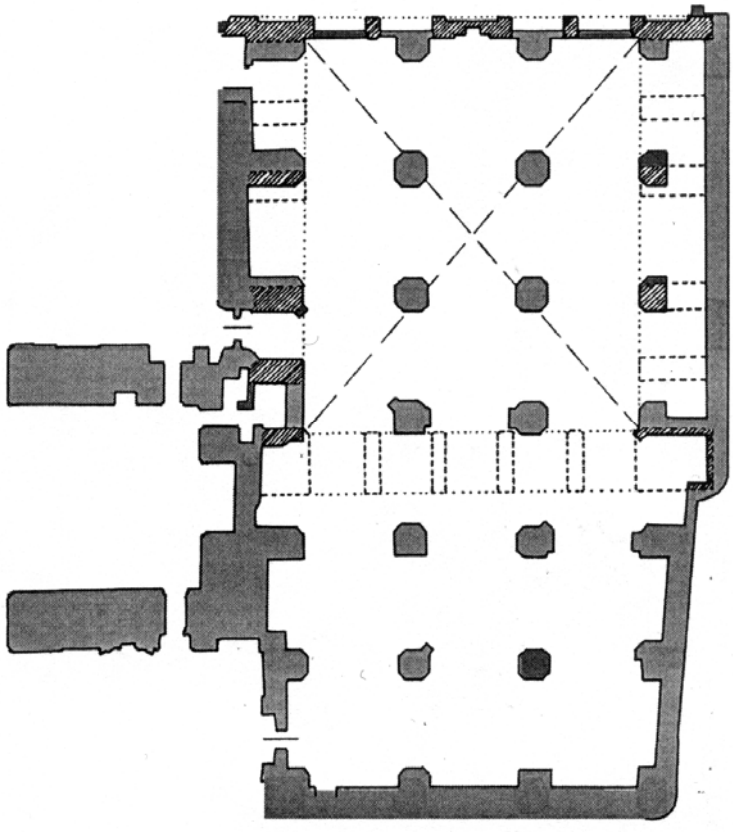
در دورهٔ صفوی با مسجد جامع عتیق با دقت و علاقه‌مندی رفتار می‌شود. خصوصاً در مورد سطوح تزیینی داخلی ایوان‌های جنوبی و غربی و شرقی. در این اقدامات کاشیکاری‌های بسیار نفیس از نوع معرق به دیوارهای هر سه ایوان نصب می‌شود. کتیبه‌ها و لوحه‌های متعددی با خط ثلث و نستعلیق و خط هندسی (موسوم به خط بنایی) تزیین‌کننده فضاهای داخلی مسجد می‌شود. ایوان شرقی با مقرنس دورهٔ صفوی به جای پوشش داخلی دورهٔ سلجوقی آراسته می‌شود (احتمالاً پوشش داخلی ایوان شرقی مربوط به دورهٔ سلجوقی فرو ریخته بوده است) (تصویر ۱۶).



تصویر ۱۶. ایوان شرقی (سبک رازی مقرنس‌های صفوی) (مأخذ: آرشیو میراث فرهنگی اصفهان).

۸ . ۳ . احداث شبستان زمستانی

در دوران اوایل حکومت صفوی در جبهۀ غربی مسجد، در محل مصلای دورۀ مظفری، یک شبستان زمستانه ایجاد شده است. این شبستان دارای جرزهای قطور و پوشش‌هایی با سبک خاص است که در اصطلاح معماری به آن طاق‌های متقاطع گفته می‌شود. یکی از علل ایجاد این نوع پوشش جلوگیری از تبادل حرارت از خارج به داخل و بالعکس بوده است. به همین جهت در فضای داخلی این نمازخانه در تابستان خنکی و در زمستان گرمی احساس می‌شود. علت دیگر اجرای این طاق‌ها، امکان ایجاد پشت بام مسطح بر فراز آن است تا بتوان در بعضی از فصول نماز صبحگاهی را در آنجا برگزار کرد. نور این شبستان را از روزنه‌های داخل سقف و پنجره‌های دیوار کنار معبر تأمین کرده اند. کل فضا به سه دهانۀ عرضی تقسیم شده و در انتهای دهانۀ میانی محراب ساخته شده است. این محراب دقیقاً بر روی محراب مسجد مصلای مظفری قرار گرفته و آن را پوشانده است. ورودی این شبستان در راهروی کنار جبهۀ جنوبی ایوان غربی قرار دارد، ولی در دورهای بعد، ورودی دیگری از نمازخانۀ الجاتیو (احتمالاً برای ورود بانوان) ایجاد کرده اند. این شبستان دارای تزیینات خاصی نیست. تمام سطوح داخلی با اندود گچ پوشیده شده است، ولی به علت ساختار معماری خاص آن ویژگی‌های منحصربه فردی در قیاس با تمام شبستان‌ها مساجد ایران دارد (نقشه ۲۱).

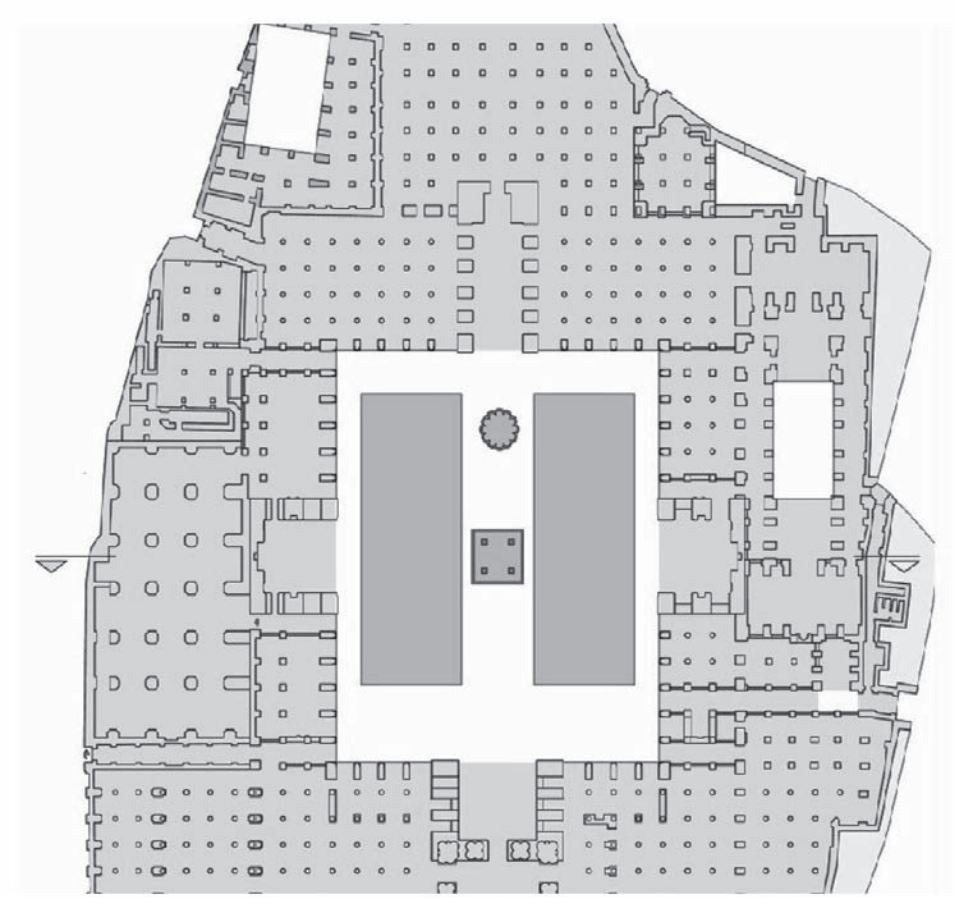


نقشۀ ۲۱. پلان نمازخانۀ زمستانی تغییرات دورۀ صفوی (مأخذ: آرشیو میراث فرهنگی اصفهان).

۹. اقدامات دورهٔ قاجار (قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم)

در دوران حکومت قاجار، به علت وضع نامساعد اقتصادی و سیاسی، در ایران بناهای عمومی قابل توجهی در مقایسه با دوره‌های قبلی ایجاد نشد. در مسجد جامع اصفهان نیز فقط چند اقدام مرمتی در داخل مسجد و حواشی آن انجام گرفته است. در یکی از ورودی‌های شرقی مسجد که فعلاً ورودی اصلی محسوب می‌شود مرمت‌هایی در زمان فتحعلی‌شاه قاجار اعمال شده است و دارای کتیبه‌ای با تاریخ ۱۲۱۸ق است .

از دیگر اقدامات دورهٔ قاجار، ایجاد سکوهای آجری به ارتفاع حدود نیم متر از کف سنگ‌فرش موجود است که به منظور برگزاری نمازهای مغرب و عشاء در فصل تابستان در داخل حیاط ساخته شده است. مرمت و توسعهٔ مقبرهٔ مرحوم علامه مجلسی واقع در گوشهٔ شمال غربی مسجد نیز از اقدامات دورهٔ قاجار است. این مکان به علت ارزش‌های والای علمی و روحانی آن علامهٔ بزرگوار، از زمان صفوی تا کنون مورد احترام و زیارتگاه مردم اصفهان بوده است. ساختمان این آرامگاه در زمان صفوی ایجاد شده و در دورهٔ قاجار با ایجاد حیاط و غرفه‌های زائران گسترش یافته است و نماهای خارجی آن با کاشیکاری تزیین شده و نقاشی‌های داخلی زیارتگاه تجدید شده است (نقشه ۲۲).



نقشهٔ ۲۲. پلان مسجد قرن سیزدهم و چهاردهم هجری (دورهٔ قاجار)
(مأخذ: آرشیو میراث فرهنگی اصفهان)

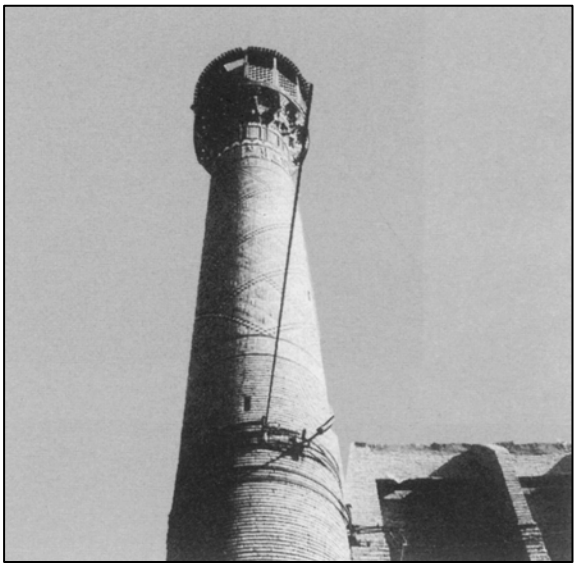
اقدامات مرمتی دوره‌های اخیر در مسجد جامع اصفهان

از اوایل قرن چهاردهم هجری شمسی مطابق با دهۀ سوم قرن بیستم، موضوع رسیدگی و حفاظت از آثار تاریخی به‌طور جدی مورد توجه مسئولان کشور ایران قرار گرفت. در این باره «قانون حفظ عتیقات تقدیم مجلس شد و به تصویب رسید. طبق مفاد و آیین‌نامه‌های این قانون میراث فرهنگی و آثار تاریخی تحت حمایت قانون قرار گرفت. بناهای تاریخی به طور وسیع در سراسر کشور شناسایی شد و ثبت آثار تاریخی در فهرست آثار ملی آغاز شد. مسجد جامع اصفهان جزو اولین بناهای به ثبت رسیده است. با ایجاد وزارت‌خانۀ «عتیقات و صنایع مستظرفه» (آثار باستانی و صنایع زیبا) و استقرار نمایندگی این وزارتخانه در مراکز استان‌ها از جمله در اصفهان، مسجد جامع اصفهان رسماً و قانوناً مورد حفاظت و مراقبت قرار گرفت و از آن زمان هر ساله در بودجه‌های دولتی دارای ردیف مخصوص اعتباری ریالی شد. نام وزارت عتیقات بعد از مدتی به وزارت فرهنگ و سپس به وزارت فرهنگ و هنر تبدیل شد. ادارۀ مربوطه در اصفهان برنامۀ مرمت تعدادی از بناها و مجموعه‌های تاریخی را تهیه کرد و پس از تصویب به اجرا گذاشت. یکی از معماران سنتی آشنا با تکنیک‌ها و مصالح ساختمانی بنای تاریخی و دخیل در مرمت مسجد جامع، شادروان استاد حسین معارفی است .

در سال ۱۹۷۲ بعد از فارغ التحصیلی در دانشکدۀ معماری رُم و بازگشت به ایران با این استاد محترم افتخار آشنایی پیدا کردم. از آنجا که در پروندۀ مسجد جامع در آن زمان گزارش جامعی از عملیات اجرایی ایشان نیافته بودم و تنها در چند سطر مختصر، اشاره‌ای به استحکام‌بخشی چند موضع در مسجد شده بود، از ایشان خواستم تا مطالب بیش‌تری از این عملیات را برای بنده شرح دهند. استاد معارفی گفت:

در آن زمان ناپایداری در ایوان شرقی، ایوان مدرسۀ مظفری، و منارۀ غربی ایوان صاحب به وجود آمده بود و باعث نگرانی همۀ ما شده بود و می‌بایست اقدامات فوری و مؤثر برای جلوگیری از فروریختن عناصر مهم معماری مسجد انجام می‌گرفت. در آن زمان یکی از باستان‌شناسان فرانسوی به نام آقای مسیو آندره گدار و یک آرشیتکت فرانسوی به نام مهندس سیرو طبق درخواست دولت، به منظور بررسی بناهای تاریخی و تدریس در دانشکدۀ باستان‌شناسی دانشگاه تهران به ایران آمده بودند و هرازگاهی به اصفهان می‌آمدند. در مورد آسیب‌های ظاهرشده در بنای مسجد جامع با آنان مشورت‌هایی به عمل می‌آمد. مشکل ایوان شرقی این بود که جرزهای قطور واقع در لبۀ حیاط مسجد، اندکی به سمت بیرون متمایل شده بود و به اصطلاح به بیرون چرخیده بود و در نتیجه طاق پوششی ایوان در نزدیک لبۀ خارجی ترک خورده بود و بخشی از مقرنس‌های آن هم ریخته بود. چون امکان ساختن دیوار پشت بند به علت اشغال محوطۀ حیاط مسجد نبود و اگر چنین می‌شد، ظاهر بسیار نامطلوبی به وجود می‌آورد، تصمیم گرفته شد تا به روش مهاربندی از حرکت بیش‌تر طاق به سمت حیاط و فرو ریختن آن جلوگیری شود. برای این منظور پس از نصب داربست در جلوی ایوان در قسمت لچکی‌های نمای طاق، با برداشتن تعدادی از آجرهای نما امکان نصب دو عدد تیرآهن را به صورت قرینه فراهم آمد. در جلوی طاق ایوان تیرآهنهای دیگری را به تیرآهن‌های قبلی متصل کردیم و با خم کردن آنها ـ که از قبل انجام گرفته بود ـ این تیرهای مهارکننده را تا پشت دیوار ایوان کشیدیم و سپس انتهای آنها را به عناصر عمودی دیگری که در جرزهای پشت ایوان فرو کرده بودیم، متصل کردیم و این‌چنین از حرکت ایوان جلوگیری کردیم. عنصر معماری دیگر که همان منارۀ غربی ایوان جنوبی است، به علل ناشناخته در آن زمان اندکی از حالت شاقولی خارج شده بود و خطر آن وجود داشت که اگر این وضع ادامه یابد، مناره فرو ریزد. برای جلوگیری از این احتمال در قسمتی از استوانۀ مناره کمربندی فولادی به پهنای حدود یک متر نصب کردیم و سپس با یک سیم بکسل فولادی در جهت عکس، حرکت مناره را مهار کردیم و سر دیگر بکسل به دیوارۀ

ایوان ثابت شد.



تصویر ۱۷. مهار منارهٔ ایوان جنوبی (مأخذ: گالدیری، ۱۳۹۲: ۳۸٦).

نقطهٔ سوم طاق ایوان جنوبی مدرسهٔ مظفری بود. در این مکان نیز دیوار شرقی ایوان به سمت خارج چرخیده بود و شکست‌هایی در طاق ایوان ظاهر شده بود. برای جلوگیری از فروریزی این ایوان زیبا با آن همه کتیبه‌ها و کاشی‌کاری‌ها دو اقدام همزمان انجام دادیم. در پشت دیوار چرخیده‌شده در چند نقطه، دیواره‌های پشت‌بند ساختیم و همچنین با نصب سیم بکسل، دو دیوار ایوان را به یکدیگر مهار کردیم. هرچند این عناصر مهارکننده از داخل ایوان قابل رؤیت است ولی حضور آنها به قیمت جلوگیری از تخریب ایوان قابل پذیرش است.

از اقدامات مرمتی دیگر در دورهٔ مدیریت‌های ادارهٔ فرهنگ اصفهان تعمیرات کاشیکاری‌های سردر ورودی شبستان الجایتو و نماهای خارجی ایوان شمالی و ایوان جنوبی است که تاریخ اجرای آن بر روی جرزها با لعاب‌سازی و کاشیکاری نوشته شده است. همچنین فضاهای داخلی شبستان‌ها مخصوصاً فضای گنبد تاج‌الملک از خاک‌های انباشته‌شده در آنها تخلیه شد و امکان ورود بازدیدکنندگان فراهم شد.

از اوایل سال‌های ۱۹٦۰م و تشکیل وزارتخانهٔ فرهنگ و هنر و سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ارتباط و همکاری فرهنگی بین ایران و ایتالیا برقرار شد و کارشناسان ایتالیایی از موسسهٔ «ایزمئو» به ایران آمدند و مطالعه و مرمت بعضی از بناهای تاریخی اصفهان و شیراز (تخت جمشید) به آنها سپرده شد. شادروان پروفسور گالدیری رییس هیئت ایزمئو در اصفهان مسئول بررسی و تحقیق در مورد شناسایی بنای مسجد جامع اصفهان و شناسایی دقیق دوره‌های تاریخی این بنای عظیم شد. او تا قبل از ترک ایران درصد قابل توجهی از تحقیقات لازم را به عمل آورد و سه جلد کتاب دربارهٔ مسجد جامع اصفهان منتشر کرد. این کتاب‌ها توسط نگارنده به فارسی ترجمه شده و توسط فرهنگستان هنر چاپ و منتشر شده است. پروفسور گالدیری در مقدمهٔ مخصوص مجموعهٔ این سه کتاب در یک مجلد می‌گوید که از سال ۱۹۷۱ به بررسی و مطالعهٔ مسجد جامع اصفهان پرداخته و تا سال ۱۹۸٤ موسسهٔ ایزمئو نتایج این مطالعات را در سه جلد انتشار داده است.

پروفسور گالدیری بررسی‌ها و پیگیری‌های موضعی و میدانی خود را جهت روشن‌سازی دوره‌های مسجد همراه با اقدامات مرمتی پس از هرگمانه‌زنی انجام داد که مکان‌های مورد نظر را در فصل مطالعات و پیگردی‌ها شرح خواهیم داد. او در پایان گزارش‌های مربوط به اقدامات مرمتی می‌نویسد: «از تشریح موضوعات فوق‌الذکر با وضوح کامل نتیجه‌گیری می‌شود که تنها روش ممکن برای استحکام‌بخشی این گونه سازه‌ها این است که از شیوه‌ها و مصالح سنتی استفاده شود». در گزارش‌های پروفسور گالدیری مکان‌هایی که مورد بررسی و مرمت قرار گرفته، این‌چنین ذکر شده است:

مکان‌های شماره‌گذاری‌شده از روی نقشهٔ شرودر معرفی شده است (نقشه ۲۳).

ـ طی سال ۱۹۷۲ دهانه‌های شماره‌گذاری شدهٔ ٦۰ – ٦۳ – ۸۰ – ۱٦۱ – ۱٦۹ – ٤۲۲ طاق و چشمه‌های آن مطالعه و

مرمت شد.

ـ طی سال ۱۹۷۳ دهانه‌های ٤٧ – ٤٨ – ٥٨ – ٥٩ – ٦٠ – ٦٧ – ٢٢٨ – ٢٤٠ مطالعه و مرمت شد.

ـ طی سال ۱۹۷٤ دهانه‌های ۱۵۰ – ۱۵۱ – ۱۵۲ – ۱۵۳ – ۱۵٤ – ۱۵۹ – ۱٦۰ – ٤٧۳ – ٤٧٤ مطالعه و مرمت شد.

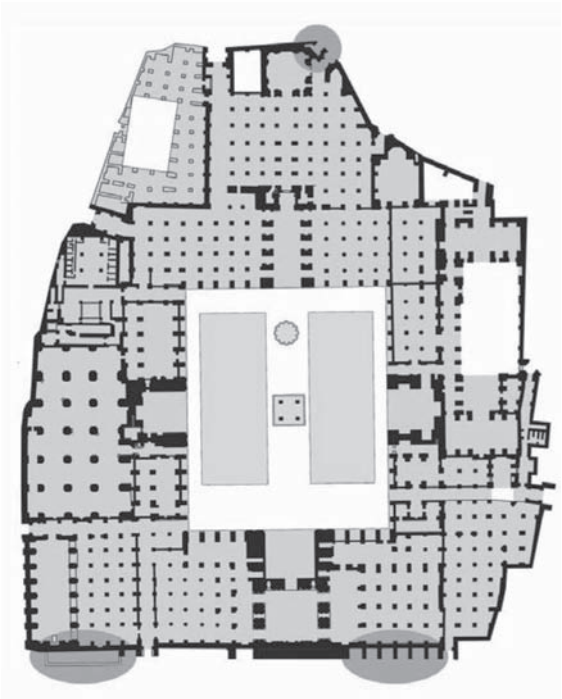
ـ طی سال ۱۹۷۵ دهانه‌های ۸۹ – ۹۰ – ۹۷ – ۹۸- ۱۰۲ – ۲۰۱ – ۲۰۲ – ۲۱۳ – ۲۱٤ – ۲۲۵ – ۲۳٦ – ۲۳۷ – ۲۳۸ – ۲٤۹ – ۲۵۰ – ۲٦۱ – ۲٦۲ – ۲٦۹ مطالعه و مرمت شد.

ـ طی سال ۱۹۷۷ دهانه‌های ۱۹۹ – ۲۰۰ – ۲۱۱ – ۲۲۳ – ۲۳۵ – ۲٤۷ – ۲۵۹- ۲٦۰ – ۲٦۷ – ۲٦۸ ۲۷۰ – ۲۷۵- ۲۷٦ – ٤۵۵ – ٤۵٦ – ٤۵۸ – ٤٦۳ – ٤٦٤ – ٤٦۵ – ٤٦٦ مطالعه و بررسی شد.

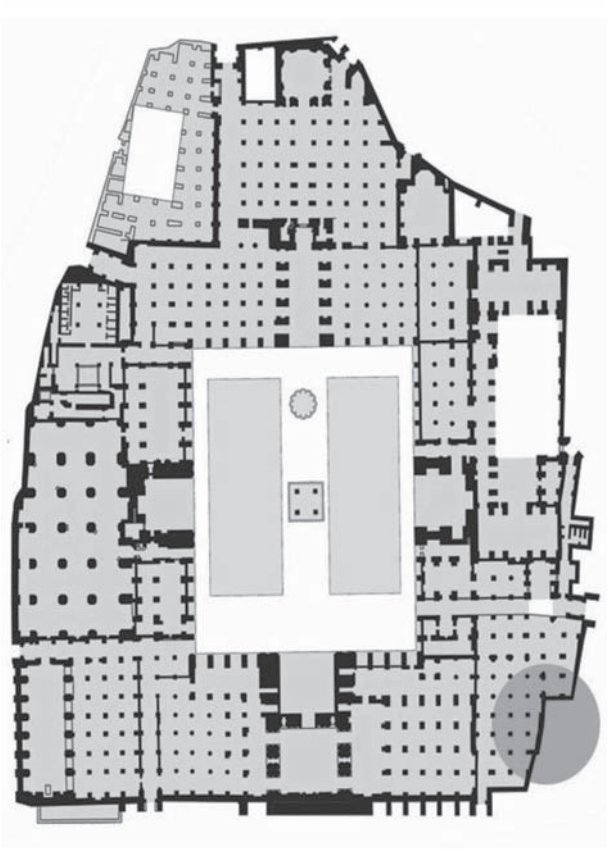
ـ طی سال ۱۹۷۸ عمدتاً بر روی تویزه‌ها و لنگه طاق‌های باربر حد فاصل بین چشمه‌های (۲۰۳ – ۲۰۳) و (۲۱٤ – ۲۱۵) و (۲۲٦ – ۲۲۷) و (۲۳۸- ۲۳۹) و (۲۷۰ – ۲۷۱) عملیات بررسی و مرمت انجام گرفت. همچنین در این سال دهانه‌های ۲۹٤ و ۳۱۰ مرمت شدند.

در قسمت دیگری از گزارش، آقای پروفسور گالدیری به موضوع رطوبت و جلوگیری از نفوذ آن پرداخته است و شرح داده که رطوبت به دو صورت به ساختمان مسجد وارد شده است؛ یکی رطوبت نزولی است که از پشت بام‌ها در اثر بارندگی حاصل می‌شود و دیگری رطوبت صعودی که از زمین و شالوده‌ها در عناصر عمودی نفوذ می‌کند. برای مقابله با این پدیده طاق و چشمه‌های مسجد مخصوصاً جاهایی که لایه‌های پوششی کاهگل که به صورت سنتی اجرا شده بود و به مرور زمان دچار فرسودگی شده بود، سرکشی و کنترل شده به همان شیوهٔ سنتی مجدداً مرمت شد. این موضوع یعنی وخیم بودن وضعیت پشت بام‌ها در سال‌های قبل نیز توسط مهندس ماکسیم سیرو که به عنوان فرستاده یونسکو از مسجد جامع بازدید کرده بود تذکر داده شده و خوشحال هستیم که سفارش آن کارشناس را عملی کردیم.

نوع دیگر رطوبت در قسمت‌های پایین دیوارها و جرزها خصوصاً در جبهه غربی، در کنار معبر مجاور ظاهر شده بود. پس از بررسی و نقشه‌برداری از آن منطقه، متوجه شدیم که سرتاسر (قسمت پایین) دیوار غربی شبستان زمستانه صفوی رطوبت‌زده است. از آنجا که در گذشته این قسمت‌های دیوار خشتی با آجر و ملات سیمان مرمت شده بودد، رطوبت سریع‌تر به بالا صعود کرده بود و چون کف معبر مجاور به اندازهٔ قابل ملاحظه‌ای (حدود ۱/۵ متر) از کف شبستان مسجد بالاتر قرار داشت، بنابراین تصمیم گرفته شد یک کانال هواکش در داخل معبر پشت دیوار تعبیه شود تا از نفوذ رطوبت به داخل دیوار جلوگیری شود. خوشبختانه با این اقدام موفق به دفع رطوبت شدیم. این عملیات در سال ۱۹۷۷ و ۱۹۸۱ انجام شد و محل دقیق آن از دهانهٔ شمارهٔ ۳۹۱ تا دهانهٔ شمارهٔ ۱ است (نقشه ۲۳).



نقشهٔ ۲۳. حضور رطوبت در حصار مسجد
(مأخذ: آرشیو میراث فرهنگی اصفهان).



نقشه ٢٤. قسمت تخریب‌شدهٔ مسجد در جنگ تحمیلی
(مأخذ: آرشیو میراث فرهنگی اصفهان).

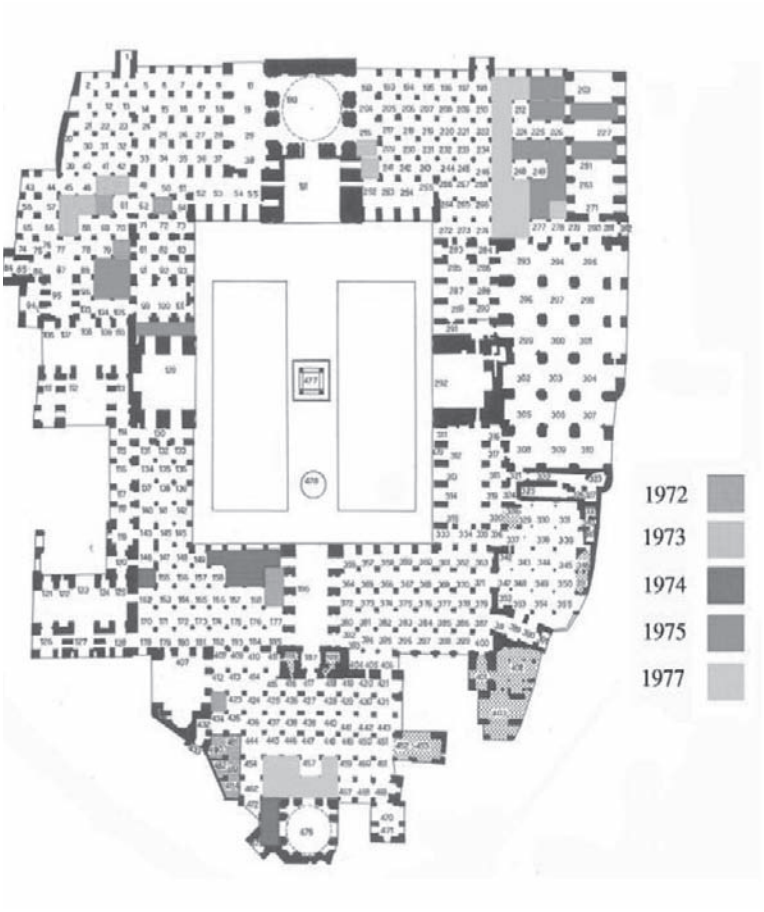
اقدامات مرمتی در مسجد جامع پس از پیروزی انقلاب اسلامی و ایجاد سازمان میراث فرهنگی کشور بعد از حدود یکسال توقف، مجدداً ادامه یافت. یکی از وقایع بسیار وخیم، آسیب‌های وارده در دوران جنگ ایران و عراق به مسجد جامع اصفهان بود. در اسفندماه سال ١٣٦٣ (مارس ١٩٨٥م) در یک حملهٔ هوایی بمب‌افکن‌های عراقی، یکی از بمب‌ها در شبستان جنوب شرقی مسجد (کتابخانه سلجوقی) فرود آمد و باعث تخریب قسمت وسیعی از این شبستان و بازار مجاور آن شد. محوطهٔ برخورد بمب به کلی در هم کوبیده شد و میدان وسیعی مملو از باقیماندهٔ مصالح ساختمانی تخریب شده به وجود آمد. علاوه بر تخریب مسجد تعدادی زیادی از مغازه‌های بازار مجاور نیز تخریب شد و تعدادی از شهروندان و مغازه‌داران نیز کشته شدند. بمباران شبستان جنوب شرقی مسجد فقط باعث تخریب آن منطقه نشد بلکه امواج حاصله از انفجار طاق و چشمه‌های کنار قسمت تخریب‌شده را نیز لرزاند و باعث ایجاد خسارت‌های درونی در ساختارهای مختلف طاق و چشمه‌ها شد. همچنین ترکش‌های بمب تا فاصل نسبتاً دوری به بدنهٔ گنبدها و سطوح کاشیکاری داخل حیاط نیز صدماتی وارد کرد دهانه‌های تخریب‌شده داخل مسجد که بازسازی شدند عبارت اند از : ٢٠ – ٢١ – ٢٢ – ٣٠ – ٣١ – ٣٩ – و ٤٠ (نقشه ٢٤).

شرح مختصر عملیات مرمتی و بازسازی آسیب‌های بمباران مسجد جامع اصفهان به شرح زیر است:

ـ حمل آوارهای جمع‌شده بر اثر تخریب طاق و چشمه‌های آجری.

ـ جدا کردن آجرهای سالم در حجم آوارها برای استفاده مجدد.

ـ تهیهٔ طرح و نقشهٔ اجرایی جهت بازسازی بخش تخریب‌شده طبق مدارک موجود.



نقشهٔ ۲۵. پلان دوره‌های مرمتی (نقشهٔ شرودر)
(مأخذ: گالدیری، ۱۳۹۲: ۳۲۸).

ـ انجام پی‌گردی به منظور پیدا کردن دقیق محل پایهٔ ستون‌ها و شالوده‌ها. بازسازی ستون‌ها و طاق و چشمه‌ها و پشت‌بام‌سازی با روش‌های سنتی.

ـ تعمیراتی نیز بر روی پوسته‌های آجری گنبد نظام‌الملک و تاج‌الملک انجام گرفت و آجرهای جدید جایگزین آجرهای شکسته‌شده در اثر اصابت ترکش‌های بمب ـ که دیگر قابل استفاده مجدد نبود ـ شد.

ـ قسمت‌های آسیب‌دیدهٔ سطوح کاشیکاری داخل حیاط نیز با دقت تمام مرمت و بازسازی شد.

ـ از دیگر اقدامات اساسی در جرزهای اطراف حیاط، برطرف‌سازی رطوبت در پایهٔ جرزهای آجری است که نمای خارجی آنها به سمت حیاط با سنگ‌های مرمر پوشیده شده است. در گذشته برای نصب سنگ‌های مرمر از ملات گچ استفاده کرده بودند. در عملیات مرمتی این سنگ‌ها یک به یک از محل خود جدا شد و پس از حذف ملات گچ که باعث جذب رطوبت زمین شده بود، با روش‌های علمی محل تکیهٔ سنگ بر روی زمین ایزوله شد و قسمت فوقانی آن توسط بست‌های فلزی ظریف به دیوار متصل شد به صورتی‌که پشت سنگ خالی مانده که باعث تنفس دیوار آجری می‌شود و دیگر رطوبت تصاعدی ظاهر نمی‌شود .

ـ سنگ‌فرش کل حیاط که به مرور زمان دچار

فرورفتگی‌هایی شده بود با احتیاط برداشته شد و پس از زیرسازی مجدداً در محل اولیه نصب شد تا هنگام بارندگی آب در قسمت‌های فرورفته جمع نشود.

ـ سکوهای آجری داخل حیاط مرمت شد، به ترتیبی که نخست آجرفرش‌ها برچیده شد و بعد از زیرسازی مقاوم‌تر در محل خود مجدداً نصب شد. این اقدام جهت ایجاد سطح همطراز برای برگزاری نماز بود.

کف محوطهٔ زیرگنبد نظام‌الملک که حفاری‌های گروه باستان‌شناسان ایتالیایی آن محل را غیر قابل استفاده کرده بود مجدداً احیا شد. به طریقی که نخست بخش‌های حفاری شده با ماسه پوشیده شد و بروی آن همطراز با کف‌سازی دورهٔ سلجوقی که تعدادی از آجرفرش آن زمان باقی‌مانده است، کف‌سازی شد و از آنجا که بعداً مورد رفت و آمد بازدیدکنندگان قرار می‌گرفت، جهت جلوگیری از فرسایش آجرهای سلجوقی به طور موقت با ماسه پوشیده شد و با آجرهای جدید کف‌سازی حفاظتی بر روی آن اجرا شد.

ـ راه ورودی اصلی از ورودی غربی که با آجرهای صفوی پوشیده بود و به علت عبور و مرور روزمره دچار فرسایش شده بود، جهت جلوگیری از تخریب کامل آن، با یک لایه آجر جدید پوشیده شد. این اقدام در راهروی غربی نیز انجام گرفت. کلیهٔ این عملیات مستندسازی شده است.

ـ در ایوان شمالی نیز چند اقدام لازم مرمتی انجام گرفته است. کف‌سازی قبلی به علت بالا آمدن رطوبت دچار نم‌زدگی شده بود. چون این محل نیز در بعضی موارد برای برگزاری نماز استفاده می‌شد، برای رفع این مشکل، کف‌سازی قبلی برچیده شد و با دقت خاک‌های دستی از آنجا به بیرون منتقل شد و پس از ایجاد یک کانال هواکش در اطراف دیوارهای ایوان، محل تخلیه‌شده از خاک‌های دستی با خرده‌سنگ (ماکارام) پر شد و بر روی آن مجدداً آجرها نصب شدند. در این اقدام طبق توصیهٔ شادروان پروفسور گالدیری، نشانه‌های وجود ستون‌های قرن سوم و چهارم بر روی آجر فرش جدید نقش‌اندازه شد.

در انتهای ایوان شمالی در قسمت دهانهٔ تورفتهٔ انتهایی، یک نیم‌طبقهٔ بالکن‌مانند وجود دارد که پوشش زیر آن دارای گچ‌بری‌های بسیار نفیس با نقوش هندسی و تزیینی است. این پوستهٔ گچبری که به صورت افقی بر زیر طاق پوششی چسبیده است، به علل مختلف و به مرور زمان، چسبندگی‌اش به طاق ضعیف شده بود و امکان فرو ریختن آن وجود داشت. بنابراین با شمع‌گذاری در زیر آن، و تزریق مواد چسبی مخلوط با گچ از بالا، لایه‌های گچ استحکام‌بخشی شد. ضمناً با نصب چند عدد تیرچوبی بر روی طاق، بعضی از نقاط بیش‌تر جداشده با سیم‌های فلزی ضد زنگ به تیرهای چوبی بسته شد تا از سقوط‌شان جلوگیری شود.

به مرور زمان، سطح قابل توجهی از اندود کاهگل پشت بام‌های جبههٔ شمالی و غربی دچار پوسیدگی شده بود و امکان نفوذ آب باران به داخل سقف‌ها وجود داشت. به همین جهت کلیهٔ این سطوح ابتدا از کاهگل‌های پوسیده تخلیه شد و پس از زیرسازی و شیب‌بندی مجدد، اندود کاهگل روی آنها کشیده شد.

دیوار خشتی گوشهٔ جنوب غربی، در داخل معبر عمومی، به علت فروریختن اندود کاهگل دچار فرسایش تدریجی شده بود. به همین دلیل تجدید کاهگل به روش‌های سنتی با لبه‌سازی پنجره‌های نمازخانه صفوی اجرا شد.

مدرسه مظفری واقع در جبههٔ شرقی مسجد، در گذشته به علت متروکه شدن دچار آسیب‌های زیادی شده بود و حتی اطاق‌های اولیهٔ جبههٔ شرقی مدرسه کاملاً تخریب و محو شده بود. از آنجایی که محوطهٔ این مدرسه کاربری مذهبی نداشته، تصمیم گرفته شد، بخش تخریب‌شده بازسازی شود و با احیای کلیهٔ فضاهای آن به یک موزه معرفی

مسجد و کلیهٔ اشیاء قابل ارائهٔ آن ـ که در حفاری‌های گذشته به دست آمده ـ تبدیل شود. در این باره کارشناسان سازمان میراث فرهنگی در یک همکاری تنگاتنگ با کارشناسان ایتالیایی، کلیهٔ اشیاء کشف‌شده در چندین سال اقدامات حفاری را طبقه‌بندی و تعداد قابل توجهی از آنها را مرمت کردند، تا پس از آماده‌سازی موزه در محوطهٔ مدرسه احیاشده، آن اشیاء را در معرض نمایش قرار دهند.

در گوشهٔ شمال غربی مسجد در محل وضوخانهٔ اصلی، وضوخانه و سرویس‌های بهداشتی عمومی برای آقایان و بانوان تجدید شده است.

کلیهٔ شبستان‌های اطراف حیاط مسجد، جهت جلوگیری از وارد آمدن آسیب‌ها توسط افراد بی‌مسئولیت، ورودی‌های کنترل‌شده تمهید شده است. بدیهی است ورود بازیدکنندگان محلی و توریست‌های خارجی با حضور راهنمایان متخصص امکان‌پذیر است.

در کنار دالان ورودی، یک محوطهٔ قدیمی با ساختارهای طاق و چشمه برای ایجاد یک نمایشگاه و معرفی مسجد آماده شده است. کلیهٔ نقشه‌های مسجد همراه توضیحات لازم و یک عدد ماکت بازدیدکنندگان را قبل از ورود به فضاهای داخلی، از کلیت و معماری مسجد مطلع می‌سازد (نقشه ۲۵).

اقدامات تحقیقاتی انجام‌گرفته در جهت شناسایی تاریخ معماری و کالبد مسجد

در دوران معاصر مسجد جامع اصفهان به دلیل ارزش‌های والای تاریخی، معماری، و هنری، مورد توجه محققان داخلی و خارجی قرار گرفته است. از جمله آقای دکتر هنرفر استاد تاریخ دانشگاه اصفهان فصل مهمی از کتاب خود دربارهٔ معرفی آثار تاریخی اصفهان را به شرح فضاهای مسجد و کتیبه‌های آن اختصاص داده است. همچنین آقایان پروفسور آندره گدار فرانسوی و پروفسور آرتور اپهام پوپ و پروفسور مایرون بمنت اسمیت آمریکایی و غیره به این مسجد توجه کرده اند.

این استادان محترم عمدتاً با تماشای سیمای ظاهری مسجد به تعریف و تمجید و معرفی و توصیف بخش‌های مختلف مسجد پرداخته اند، ولی مطالعات تحلیلی ـ علمی در مورد مسجد را مرهون دانش و تجربه و حوصله پروفسور گالدیری هستیم. اکنون به شرح مختصر این تحقیقات که همراه با پی‌گردی و جستجوی میدانی بوده است می‌پردازیم. او ابتدا به جستجوی محدودهٔ مسجد قرن سوم پرداخت. در این باره اسناد تاریخی مکتوب، وجود یک مسجد شبستانی با دیواری خشتی که آن را محصور کرده بوده یادآور شده بودند. گالدیری با بررسی دقیق دیوارهای موجود، قسمت‌های باقیمانده این دیوار خشتی را شناسایی کرد و کل دیوار را به دست آورد و نقشهٔ آن را ترسیم کرد. آنگاه در داخل این حصار به دنبال پیدا کردن فضاهای شبستانی ستوندار رفت. محل‌هایی که او می‌توانست به راحتی نشانه‌هایی از ته‌رنگ و بقایای احتمالی ستون‌های مسجد قرن سوم را بدون ایجاد هرگونه آسیبی به مسجد به دست آورد، محوطهٔ زیرگنبد نظام‌الملک و ایوان‌های اطراف حیاط مسجد بود. او با عملیات پی‌گردی توسط استادکاران اصفهانی و جابه جایی آجرفرش موجود و خاکبرداری سطحی توانست تعدادی از بقایای ستون‌ها را در داخل کف ایوان جنوبی، ایوان شمالی، ایوان شرقی، و ایوان غربی به دست آورد و با شناسایی معماری و اجزای بقایای این ستون‌ها، باقیمانده کامل مسجد قرن سوم را نیز شناسایی کرد و آنها را بر روی نقشه ترسیم کرد. در این بررسی و کاوش متوجه شد که بقایای ستون‌های لبهٔ حیاط در مکان‌های پی‌گردی‌شده، دارای شکل و مصالح متفاوتی نسبت به ردیف‌های داخلی هستند و با این خصوصیات، الحاقات قرن چهاردهم میلادی یعنی زمان آل بویه را به دست آورد. موضوعی که تا قبل از آن هیچ‌کس متوجه آن

نشده بود و از آن کلامی گفته یا نوشته نشده بود در .
بررسی باقیمانده‌های دیوار خشتی در قسمت جبهۀ شرقی مسجد، پروفسورگالدیری به دو موضوع پی برد:
ـ یکی کشف نمای دیوار به سمت خارج که با طاق‌نماها و اندود سیم‌گل تزیین شده بود او نمای اولیۀ این دیوار را براساس شواهد به دست‌آمده ترسیم کرد.
ـ و دوم، موضوعِ جالبِ چگونگی پوشش‌های هم‌سطح با تیرریزی مسجد شبستانی قرن سوم بود. او در قسمت فوقانی دیوار خشتی در قسمت باقیماندۀ یک ردیف افقی و منظم، سوراخ‌هایی را پیدا کرد که جایگاه نصب سرتیرهای پوشش چوبی بوده اند. او با این سند غیرقابل انکار، چگونگی پوشش اولیۀ مسجد قرن سوم را تشریح کرد.
گالدیری در گوشۀ جنوب شرقی حیاط مسجد، با شکافتن جرز آجری موجود، ستون دوره آل بویه مربوط به الحاقات قرن چهارم را هویدا ساخت و از سیمای باقیماندۀ آن ستون، نحوۀ آجرکاری و تزیین ستون‌های آن دوره را ترسیم کرد و از آن یک مدل ساخت و در ادامۀ جستجو، حضور احتمالی دیگر ستون‌های دورۀ آل بویۀ مخفی‌شده در داخل جرزها را تشخیص داد و در گزارش خود آنها را معرفی کرد.
بررسی‌های پروفسور گالدیری در محوطۀ زیر گنبد نظام‌الملک و نماهای اطراف گنبد، این موضوع را روشن ساخت که گنبد نظام‌الملک اولاً بر روی محور اصلی مسجد قرن سوم ساخته شده است و ثانیاً در ابتدا این گنبد از سه طرف شرق و غرب و شمال کاملاً آزاد بوده و فقط از طرف جنوب به دیوار قبله متصل بوده است. چگونگی کتیبۀ گچ‌بری و تزیینات سرستون‌های داخل دیوار الحاقی بعدی، وضعیت اولیۀ گنبد را نیز کاملاً به اثبات رساند.
گالدیری در نمازخانۀ الجایتو با پی‌گردی در کف نمازخانه، شالوده و پایۀ ستون‌های مسجد قرن سوم را ظاهر کرد و فرضیۀ اتفاقات و تغییرات انجام‌گرفته در آن محوطه را اثبات کرد.
او همچنین در محل تشخیص داده‌شدۀ دیوار خشتی مسجد قرن سوم، از روی پشت بام‌ها پی‌گردی‌ها و خاکبرداری‌های لازم را جهت روشن ساختن چگونگی گسترش مسجد به جهات شرق و غرب انجام داد و بدین ترتیب در جبهۀ شرقی، گسترش دورۀ سلجوقی و در جبهۀ غربی گسترش دورۀ تیموری را مشخص ساخت.
پروفسور گالدیری بر روی طاق ایوان جنوبی، محل اتصال مناره‌های موجود با سازۀ طاق‌های سلجوقی را بررسی و از نزدیک معاینه و دومرحله‌ای بودن اجرای پوشش ایوان و سازۀ مناره‌ها را اثبات کرد.
در داخل ایوان شرقی از داخل دوپوش موجود که مقرنس‌سازی شده است آثار پوشش داخلی ایوان جنوبی مربوط به دورۀ سلجوقی را به دست آورد و تعلق مقرنس‌های موجود را به دورۀ صفوی نشان داد.

مطالعات و بررسی‌های باستان‌شناسی در مسجد جامع اصفهان

جنبۀ دیگر مطالعات انجام‌گرفته در داخل مسجد، مربوط به حفاری‌های باستان‌شناسی است که توسط هیئت ایزمئو به سرپرستی مرحوم پروفسور شراتو در سال‌های ۱۹۷۰ انجام شده است. مناطق حفاری‌شده که بر روی نقشۀ ضمیمه که توسط پروفسور جنیتو تهیه شده، مشخص است و عمدتاً در فضای گنبدخانۀ نظام‌الملک و داخل حیاط مسجد و در قسمت‌هایی از شبستان‌های شمالی قرارگرفته است.
حفاری‌های زیر گنبد چند لایۀ ارزشمند تاریخی را مشخص کرد. در زیر لایۀ موجود در هنگام آغاز حفاری‌ها ـ که از سنگ مرمر و در زمان صفویه ساخته شده بود ـ ابتدا لایۀ آجرفرش دورۀ سلجوقی به دست آمد. این لایه حدود ۵۰ سانتی‌متر از لایۀ صفوی پایین‌تر قرار گرفته است. در زیر لایۀ سلجوقی کف‌سازی مسجد قرن سوم

قرار داشت و پایین‌تر از آن دیـوار محـراب و کـف‌سـازی مسجد قرن دوم به دست آمد. در ادامهٔ عملیات حفاری یک ستون آجری که با لایهٔ تزیینی گچبری ساخته شده است به دست آمد. قضاوت دربارهٔ آن تاکنون تنها بـه اعـلام تعلـق این ستون به دورهٔ ساسانی منحصر بوده است.

در حفاری‌های محوطه شبستان شمال شرقی که تا عمق دو متر ادامه یافت، بقایای بسـیار جالـب تـوجهی از روسـتای یاوان به دست آمد. در مورد این روستا در کتـب مورخـان تاریخ اصفهان ذکر شده است که در قرن سـوم خانـه‌هـا و زمین‌های روستای یاوان خریداری شـد و مسـجد بـر روی محوطهٔ خریداری شده توسعه یافت. به دسـت آمـدن ایـن آثار و بقایای مسکونی مربوط به قبل از احداث مسجد قرن سوم موضوعات بسیاری را در مورد تاریخ مسـجد روشـن ساخت.

بعضی از این مساجد دارای ساختمان مربوط به قبل از سلجوقی بوده اند که به تبعیت از مسجد جامع اصفهان تغییرات عمده‌ای در آن به وجود آورده اند تا شبیه فرم مسجد جامع اصفهان شود. مانند مسجد جامع اردستان (۱۳-٦٦) و مسجد جامع گلپایگان (١٤-٦٦). در هر دوی این مساجد نشانه‌هایی از وجود مسجد قبلی شناخته شده است که با دخالت‌ها و تغییرات دورهٔ سلجوقی به مسجد چهارایوانه به سبک مسجد جامع اصفهان تغییر فرم داده شده است. در اجرای این طرح، محورهای اصلی طولی و عرضی را انتخاب کرده و بر روی انتهای محور طولی که به سمت قبله قرار می‌گیرد گنبدخانه را احداث کرده اند و با ایجاد ایوان‌های چهارگانه ابعاد حیاط مشخص شده و دیگر فضاهای سرپوشیده در کنار ایوان‌ها ساخته شده است. در گنبدخانهٔ مسجد جامع اردستان کتیبه‌ای به تاریخ ۵۵۳ق (۱۱۷۵م) وجود دارد که تعلق آن مسجد به دورهٔ سلجوقی را گواهی می‌کند. مساجدی که بنیاد آنها به سبک سلجوقی و با الگو و فنون به‌کاررفته در مسجد جامع اصفهان ساخته شده اند می‌توان به مسجد برسیان، مسجد جامع زواره، و مسجد جامع ساوه اشاره کرد. شیوهٔ چهارایوانی در دورهٔ تیموری و صفوی تا قاجاریه ادامه یافت.

نتیجه‌گیری:

از مباحث ذکرشده می‌توان استنباط کرد کـه مسـجد جـامع اصفهان بزرگ‌ترین نمونهٔ مساجد قدیمی ایران بوده است و بر زمینی در حدود دو هکتار آرام و اسـتوار نشسـته اسـت. این بنا اولین الگوی مساجد چهارایوانی را ارائه کرده اسـت و کلیهٔ جنبه‌های هنر معماری ایـران و تجـارب متعلـق بـه دوازده قرن تاریخ شهر اصفهان را در بـر دارد و بـه همـین جهت می‌توان آن رادایـرةالمعـارف هنـر معمـاری ایـران و برخـی از تمـدن‌هـای همجـوار دانسـت. گذشـته از آن از ارزش‌های معنوی این اثر پیوند آن با اعتقادات مذهبی مردم و شخصیت‌های مهـم تـاریخ علـم و مـذهب شـهر اسـت. همچنین کیفیتی که دارد ایجادکنندهٔ انگیـزه و جاذبـه بـرای حضور مردم و تجمع‌های وسیع مردمـی در موقعیـت‌هـا و مناسبت‌های مذهبی در مسجد است.

به طور کلی متخصصان آثار ارزشمند در سراسر جهان، مسجد جامع اصفهان را یکی از چند بنای والای جهان اسلام می‌دانند و در کلیهٔ کتاب‌های منتشرشده دربارهٔ تاریخ هنر جهان و به‌ویژه در موضوع سیر تحول معماری در دوران اسلامی، این مسجد را به طور ارزنده‌ای معرفی کرده اند. با توجه به چنین قوه‌ای بدیهی است که این اثر معتبر شایسته ثبت در فهرست آثار جهانی است و جهت ثبت آن در فهرست آثار جهانی پیشنهاد شده است و خوشبختانه سازمان علمی فرهنگی یونسکو پس از بررسی‌های فراوان به ثبت این بنای معظم در فهرست آثار جهانی اقدام کرده است.

منابع:

- ابن حوقل،۱۳٤٥، *صورة الارض*، ترجمه جعفر شعار، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
- ابن رسته احمد بن عمر، ۱۳٦٥، *اعلاق النفیسه*، ترجمه و تعلیق حسین قره‌چانلو، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- الاصفهانی محمدمهدی بن محمدرضا ،۱۳٤۰، *نصف جهان فی تعریف الاصفهان*، به تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- تحویلدار اصفهانی، میرزا حسین‌خان، ۱۳٤۲، *جغرافیای اصفهان*، به‌کوشش منوچهر ستوده، انتشارات دانشگاه تهران.
- جابری انصاری، حاج میرزا حسن‌خان، ۱۳۲۱، *تاریخ اصفهان و ری*، بی‌جا.
- جناب میرسیدعلی، ۱۳۷٦، *الاصفهان*، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، تهران.
- حافظ ابونعیم اصفهانی احمد بن عبدالله، ۱۳۷۷، *ذکر اخبار اصفهان*، ترجمه دکتر نورالله کسائی، انتشارات سروش، تهران.
- حمزه اصفهانی، ۱۳٤٦، *تاریخ پیامبران و شاهان (سنی الملوک الارض والانبیاء*، ترجمه جعفر شعار، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
- رفیعی مهرآبادی ابوالقاسم، ۱۳۵۲، *آثار ملی اصفهان*، انجمن آثار ملی، تهران.
- شاردن ژان، ۱۳٤۹، *سیاحت‌نامه شاردن*، ترجمه محمد عباسی، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- شفقی، سیروس، ۱۳۸۱، *جغرافیای اصفهان*، انتشارات دانشگاه اصفهان، اصفهان .
- گالدیری، اوژینو، ۱۳۹۲، *مسجد جامع اصفهان*، ترجمه عبدالله جبل عاملی، ج ۲،۱و۳، انتشارات فرهنگستان هنر.
- گدار آندره و دیگران، ۱۳۱۸، *آثار ایران*، ترجمه سید محمد تقی مصطفوی، به تصحیح و تجدیدنظر علی پاشا صالح، ج۲- جزء اول انتشارات اداره باستان‌شناسی وزارت فرهنگ، تهران.
- گلمبیک لیزا و ویلبر دونالد، ۱۳۷٤، *معماری تیموری در ایران و توران*، ترجمه دکتر محمدیوسف کیانی و کرامت‌الله افسر، سازمان میراث فرهنگی، تهران.
- مافروخی الاصفهانی، مفضل بن سعدبن حسین ، ۱۳۲۸، *رساله محاسن اصفهان*، ترجمه حسین بن محمد بن ابی الرضا آوی، به کوشش عباس اقبال آشتیانی، انتشارات شهرداری اصفهان.
- مقدسی ابوعبدالله، ۱۳٦۱، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ترجمه علینقی منزوی، شرکت مولفان و مترجمان، تهران.
- ناصرخسرو علوی قبادیانی، بی‌تا، *سفرنامه ناصرخسرو*، انتشارات و کتاب فروشی محمودی، تهران.
- ویلبر دونالد، ۱۳٤٦، *معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانیان*، ترجمه عبدالله فریار، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
- هنرفر لطف‌الله، ۱۳۵۰، *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*، انتشارات کتاب فروشی ثقفی، اصفهان.